

یادداشت‌هایی دربارهٔ نسخه‌های خطی و اسناد

علی قنبریان^۱

^۱ پژوهشگر و احیاگر اسناد و نسخه‌های خطی

چکیده

نوشتار حاضر، مجموع ۱۰ یادداشت دربارهٔ اسناد، نسخه‌های خطی، تصحیح، و فهرست شناسایی آن‌ها می‌باشد. این ۱۰ یادداشت، به‌صورت تدریجی در طول چند سال، فعالیت در زمینهٔ احیا و نوپردازی متون کهن حاصل شده است. گرچه در برخی یادداشت‌ها، خطاهایی از سوی مصححان بیان شده است، اما چنین خطاهایی در قبال سعی و اهتمام و خدمات آنان، ناچیز است. پیام اصلی این مقاله، ارزشمندی پژوهش‌هایی (در قالب کتاب و مقاله و فهرست) است که در نوشتار حاضر بررسی شده‌اند. ضمن ارج نهادن بر کوشش مصححان و فهرست نگاران محترم، ویرایش، تکمیل و روزآمدسازی آن‌ها شایسته است. روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و میدانی و پردازش اطلاعات تبیینی تحلیلی نقدی می‌باشد. استناد به منابع، به‌صورت درون‌متنی (ای پی ای / APA) است. در این مقاله از ۹ مدرک، در قالب سند و تصویر، استفاده شده است. تمام مدارک شماره‌گذاری شده‌اند. مباحث مقاله به دو بخش تقسیم شده است: بخش اول: نسخه‌های خطی و کیفیت تصحیح آن (یادداشت ۱ تا ۷)؛ بخش دوم: اسناد و خوانش آن (یادداشت ۸ تا ۱۰).

واژه‌های کلیدی: نسخه‌های خطی، اسناد، خوانش، تصحیح، فهرست، مهر.

بخش اول: نسخه‌های خطی و کیفیت تصحیح آن**یادداشت ۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری یزد**

شایسته است، در شناسایی نسخه‌ها دقت شده و وقت بیشتری صرف آن شود. همچنین عنوان رساله و موضوع رساله شناسایی و توسط فهرست‌نویس تنظیم شود. این کار، کمک‌کار مصححان و محققان بوده و دقیق‌تر و سریع‌تر به متن مورد نظر خود دسترسی پیدا می‌کنند. عناوین کلی مانند: «رساله در عرفان» در شناسایی نسخه و آگاهی از متن آن، نارسا است.

حسین مسرت در نقد «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری یزد» در این باره گوید: «لازم است در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری یزد، بیش از دویست کتاب به نام رساله در، کتاب در، شناسایی و به‌نوعی رفع تکلیف شود... زیرا در این فهرست بیش از دویست کتاب به نام رساله در پزشکی، رساله در فقه، رساله در اصول، رساله در فلسفه، کتاب در دعا، و... آمده است (حسین مسرت، بایستگی بازنویسی دوره فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری یزد، ص ۳۲).

یادداشت ۲. «رساله‌ای در عرفان» از کتابخانه مجلس شورای اسلامی

از موارد شایع آنست که نام نویسنده در مقدمه یا انتهای رساله ذکر نشده است و فهرست‌نگار، مؤلف را ناشناخته ثبت کرده است. با توجه به اینکه در فهرست‌نگاری متون کهن، معمولاً تمامی متن رساله توسط فهرست‌نگار مطالعه نمی‌شود، چه‌بسا در حین تصحیح نسخه، مصحح دریابد که فهرست‌نگار عنوان کتاب یا حتی نام نویسنده رساله را، اشتباه درج کرده است و از وظایف مصحح در چنین مواقعی آن است که مراتب را همراه با دلایل به مرکز و نهادی که اطلاعات نسخه در آنجا ثبت شده، اطلاع دهد تا محققان دیگر از اطلاعات صحیح استفاده نمایند نه غلط. به‌عنوان نمونه چند سال پیش نسخه‌ای با عنوان «رساله‌ای در عرفان» از کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۶۵۸۶ تهیه کردم. نام نویسنده مشخص نبود و در ابتدای رساله نیامده بود و فهرست‌نویس آن را به‌صورت «ناشناخته» درج کرده بود. در آخرین فصل که در ارتباط با سلسله‌های صوفیه است، مؤلف با عبارت: «چون مقام مناسب بود، لهذا ذکر شجره خود را نقل نموده. این حقیر محمدجعفر الملّقب به مجذوب‌علی از جمله مریدهای حضرت حسین علی شاه اصفهانی...» نام خود و سلسله درویشی (تصوف) خود را ذکر کرده است. اگر فهرست‌نویس تسلط بیشتری در متن رساله داشت، به نام نویسنده پی می‌برد و آن را به‌صورت «ناشناخته» ذکر نمی‌کرد.

یادداشت ۳. نکاتی درباره کتاب «مناظره بحر العلوم سید محمد مهدی بروجردی طباطبایی...»

یکی از نگاشته‌ها درباره مناظره و گفتگوی علمی، رساله مناظره علامه بحر العلوم با یهودیان ذوالکفل است. ذوالکفل شهری در سی کیلومتری جنوب حله میان نجف و کربلا می‌باشد. اصل رساله به زبان عربی است که توسط شاگردان مرحوم بحر العلوم تدوین و نگارش یافته و سپس توسط آیت‌الله محمدکاظم هزارجریبی به فارسی برگردان شده است. دست‌نوشته عربی و فارسی این رساله توسط خانم دکتر زابینه اشمیتکه و آقای رضا پورجوادی تصحیح و در نشر میراث مکتوب در سال ۱۳۹۰ شمسی با عنوان «مناظره بحر العلوم سید محمد مهدی بروجردی طباطبایی (۱۲۱۲ ه.ق) با یهودیان ذوالکفل گزارش‌های عربی و فارسی» چاپ و منتشر شده است. زابینه اشمیتکه،

به آلمانی (Sabine Schmidtke) استاد آلمانی اسلام‌شناسی است... او از سال ۲۰۱۴ در مدرسه تاریخ‌شناسی مؤسسه مطالعات پیشرفته در دانشگاه پرینستون در نیوجرسی مشغول به کار است. در سال ۲۰۰۶، او به عنوان محقق مدعو، در (École pratique des hautes études) پاریس فرانسه، بر روی آثار جدلی اسلامی علیه یهودیت کار می‌کرد. متن عرضه شده از سوی مصححان، علی‌رغم مزایای بسیاری زیادی که دارد، همراه با اشکالاتی است. به برخی موارد اشاره می‌شود:

۱/۳. رعایت نکردن اصل وحدت رویه و یکدستی

یکدستی مهم‌ترین اصل در نگارش و ویرایش است. به ۲ نمونه اشاره می‌شود:

الف) سلیقه‌های نویسندگان و ویراستاران در نگارش اعداد متفاوت است. اکنون در بیشتر کتاب‌های فارسی روالِ راست به چپ رایج است. چه در زیر شکل و بالای جدول و چه در متن به هنگام ارجاع به شکل یا جدول (علی صلح جو، نکته‌های ویرایش، ص ۲۱۲).

دو رویکرد در این باره وجود دارد و هر گروه استدلال‌ات و دلایلی را ارائه کرده‌اند:

— برخی اعداد را از راست به چپ می‌نویسند (ص ۲۱۱-۲۱۸). در صحت این روش برخی چنین استدلال کرده‌اند: تلقی ما از اعداد در متن، یک واحد کلامی متنی است نه یک واحد رقمی ریاضی (علی صلح جو، نکته‌های ویرایش، ص ۲۱۳).

— و برخی نیز از چپ به راست (ص ۲۱۸-۲۱۱).

حال اینکه جانب حق با کدام طایفه است، بماند. نکته اینجاست، هرکدام از شیوه‌ها را که انتخاب کردیم، در تمام متن لازم است، اجرا شود به علت اصل یکدستی. برخی بر این باورند که یکدستی و وحدت رویه، مهم‌ترین اصل جاری و حاکم بر تمام جوانب متن در ویرایش صوری، ویرایش زبانی، صفحه‌آرایی، و... می‌باشد (محمد مهدی باقری، درس نامه کارگاه ویرایش و درست‌نویسی، ص ۳۴).

در کتاب «مناظره بحرالعلوم سید محمد مهدی بروجردی طباطبایی (۱۲۱۲ ه.ق) با یهودیان ذوالکفل گزارش‌های عربی و فارسی»، در بیشتر موارد اعداد را از راست به چپ نگاشته است (عدد کوچک‌تر را در سمت راست نوشته است): صفحه ده پاورقی ۴: ص ۵۰-۵۶ اما در برخی موارد، این طور نیست؛ برای نمونه در صفحه نه پاورقی ۱، عدد را از چپ به راست نوشته (ص ۲۱۶-۲۰۳) و اصل یکدستی را رعایت نکرده است.

ب) کلماتی که از عربی گرفته شده‌اند و حرف آخر آنها همزه است، بدون همزه نوشته می‌شوند، مانند: املا و انشا. این گونه کلمات هنگام اضافه شدن به کلمه بعد دو حالت دارد با «ی» میانجی مثال املائی فارسی یا با همزه مثال املاء فارسی (علی اشرف صادقی و زهرا زندی مقدم، فرهنگ املائی خط فارسی براساس دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۱۵-۱۶).

ص ۴۵ خط ۱ و ۲: یهودان گفتند که ما این امر را از کلام انبیای بعد از موسی و از کتب ایشان و از تفسیر علماء تورات دانستیم.

در مورد بالا هنگام اضافه کردن، یک بار «ی» میانجی آورده است (انبیای) و یک مرتبه نیز همزه (علماء)؛ و این نایکدستی در سرتاسر کتاب هنگام اضافه شدن کلماتی که حرف آخر آن همزه است، تکرار شده است

۲/۳. اغلاط حروف نگاشتی (عدم رعایت دستور خط و شیوه رسم الخط امروزی)

نوشته‌ها و مکتوبات (مقاله، کتاب و...) از آنجایی که برای خواننده امروزی به سامان رسیده است، شیوه دستور خط و رسم الخط و املا امروزی، در آن رعایت می‌شود؛ چراکه خط نیز مانند زبان در طول تاریخ و زمان دچار تحول و دگرگونی می‌شود و ما تابع زمان خود هستیم زیرا با مخاطبان امروزی تعامل داریم. برخی از ویراستاران، تصحیح نسخه خطی را از بارزترین نمونه‌های ویرایش می‌دانند که در آن امروزی کردن رسم الخط ضرورت دارد (علی صلح‌جو، نکته‌های ویرایش، ص ۲۷۶-۲۷۷).

در شیوه دستور خط و املا، نویسندگان (مؤلفان، مترجمان، مصححان) پیرو فرهنگستان زبان و ادب فارسی هستند. فرهنگستان برای این امر با استفاده از ادبا و متخصصان، دو کتاب سودمند تدوین و منتشر کرده است: الف) دستور خط فارسی؛

ب) فرهنگ املائی خط فارسی براساس دستور خط فارسی.

کتاب اول (غالباً) شامل قواعدی در رسم الخط است و کتاب دوم (به استثنای مقدمه که شامل قواعد املائی خط فارسی است) به صورت موردی و مصداقی به ترتیب حروف الفبا، نگارش صحیح کلمات را ذکر کرده است. مصحح در مقدمه‌ای که بر کتاب «مناظره بحرالعلوم...» نگاشته بیان می‌کند که «رسم الخط دست‌نویس‌ها، به جز برای نام‌های کتاب مقدس، بدون اشاره در متن، امروزی شده است» (زاینه اشمیتکه و رضا پورجوادی، مناظره بحرالعلوم سید محمد مهدی بروجرودی طباطبایی "۱۲۱۲ ه.ق" با یهودیان ذوالکفل گزارش‌های عربی و فارسی، ص بیست و چهار) در بسیاری از موارد به این مدعا جامه عمل پوشانده است؛ به عنوان نمونه:

ص ۳۸ خط ۵ کتاب: به سخن / دست‌نوشت: بسخن

ص ۴۰ خط ۱۳ کتاب: تورات / دست‌نوشت: تورا

ص ۴۳ خط ۶ کتاب: از این جهت / دست‌نوشت: از این جهة

ص ۴۳ خط ۲۱ کتاب: ای گروه یهود این دلیل است بر وقوع تحریف و زیادت در تورات / دست‌نوشت: ای گروه یهود این دلیل است بر وقوع تحریف و زیادة در تورات

ص ۵۰ خط ۱۰ کتاب: مدت / دست‌نوشت: مدة

ص ۵۱ خط ۱۸ کتاب: قوت / دست‌نوشت: قوة

ص ۵۲ خط ۴ کتاب: ملت / دست‌نوشت: ملة

ص ۴۰ خط ۱۶ کتاب: توراتی که / دست‌نوشت: توراتیکه

ص ۴۱ خط ۱۶ کتاب: چنان‌که / دست‌نوشت: چنانکه

- ص ۴۰ خط ۱۹ کتاب: هارون/ دست‌نوشت: هرون. طبق اصل «تطابق مکتوب با ملفوظ» هارون صحیح است. (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دستور خط فارسی؛ مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۳۶)
- ص ۵۰ خط ۲۲: اسماعیل/ دست‌نوشت: اسمعیل
- با این حال در برخی مواقع در متن مصحح، شیوه رسم الخط امروزمین مراعات نشده است. موارد مذکور همراه با دلایل و قواعد نگارش و ویرایشی نقد و بررسی می‌شود:
- الف) واژه‌های دارای هجای میانی «-و-» که با اشباع تلفظ می‌شوند همچون «داوود» با دو «واو» نوشته می‌شوند. یکی نماینده صامت و دیگری نشان‌گر مصوت بلند است (فرشاد رضوان، راهنمای ویرایش و نگارش، ص ۳۰؛ قاسم صافی، از چاپخانه تا کتابخانه؛ مراحل کتاب‌نویسی چاپ‌سپاری کتابداری کتابخوانی و نشر، ص ۲۳۱).
- ص ۳۸ خط ۴ کتاب: داود / رسم الخط امروزمین: داوود.
- ب) درج همزه در کلمه‌هایی که همزه دارند، لازم است: «رئوف»، «مؤسسه» (سیدحمید حیدری‌ثانی، ویراستاری ۵، ص ۷۰)
- ص ۳۹ خط ۱ کتاب: رای / رسم الخط امروزمین: رأی.
- پ) اصل «تطابق مکتوب با ملفوظ» (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دستور خط فارسی؛ مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۳۶).
- ص ۵۰ خط ۶ کتاب: نصاری / رسم الخط امروزمین: نصارا.
- ص ۳۸ خط ۳ کتاب: پس آن سید جلیل با نهایت ملاطفه با ایشان بنای تکلم گذاشت / رسم الخط امروزمین: پس آن سید جلیل با نهایت ملاطفه با ایشان بنای تکلم گذاشت.
- ص ۳۹ خط ۱۲ کتاب: دویمی / رسم الخط امروزمین: دومی.
- ص ۴۲ خط ۹ کتاب: بیست و سیم / رسم الخط امروزمین: بیست و سوم.
- ص ۴۶ خط ۷ کتاب: سیم / رسم الخط امروزمین: سوم.
- ت) صورت متصل فعل «بودن» در زمان حال (ام، ای، است، ایم، اید، اند) در کلمات مختوم به «آ» با صامت میانجی «ی» می‌باشد: «دانایند».
- ص ۴۳ خط ۳ و ص ۴۰ خط ۷ کتاب: عظمی‌اند/ دست‌نوشت: عظمی‌ایند. مصحح محترم، ضبط نسخه را نوشته است. از طرفی «عظمی‌یند» صحیح است به قیاس «دانایند». «عظمی» نیز مختوم به «آ» است و دارای «الف مقصور» است مانند: «موسی» و «عیسی».
- ص ۴۰ خط ۱۰ کتاب: در بسیاری از امور مخالف مانند / دست‌نوشت: در بسیاری از امور مخالف مایند.
- ث) صورت متصل فعل «بودن» در زمان حال (ام، ای، است، ایم، اید، اند) در کلمات مختوم به صامت متصل: «پاک‌اند».

ص ۴۷ خط ۲۱ کتاب: یکسانند / دست‌نوشته: یکسان‌اند. البته در برخی مواقع صحیح نگاشته است مانند: ص ۴۸ خط ۱۶ کتاب: نوع‌اند.

ج) لفظ «به» هرگاه با کلمه بعدش صفت بسازد، پیوسته نوشته می‌شود: بخرد، بشکوه، بهنجار، بنام (فرهنگستان زبان و ادب فارسی، دستور خط فارسی؛ مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۲۲؛ فرشاد رضوان، راهنمای ویرایش و نگارش، ص ۲۷).

در صفحه ۵۲ خط ۱ و ۲ کتاب: به تحقیق که پیغمبران پروردگار ما همه به حق آمده‌اند. «به حق» صفت است نه قید و نگارش آن به این صورت است: «بحق».

چ) «تر» و «ترین» جدا و بدون فاصله از کلمه قبل نوشته می‌شوند، مانند: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین الا در بهتر، بهترین، مهتر، مهترین، کِهتر، کِهترین، بیشتر، بیشترین، کمتر، کمترین (علی‌اشرف صادقی و زهرا زندگی‌مقدم، فرهنگ املائی خط فارسی براساس دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۲۰).

صفحه ۴۲ خط ۳ کتاب: و خداوند عالم از آن عالیتر است / رسم الخط امروزی: و خداوند عالم از آن عالی‌تر است.

ص ۳۹ خط ۴ کتاب: تنگتر / رسم الخط امروزی: تنگ‌تر.

ص ۴۵ خط ۱۷ کتاب: با آنکه شریعت موسی نزد شما از بزرگترین و تمامترین آن‌هاست / رسم الخط امروزی: با آنکه شریعت موسی نزد شما از بزرگ‌ترین و تمام‌ترین آن‌هاست.

یادداشت ۴. نسخه‌های خطی محمدکاظم هزارجریبی

محمدکاظم هزارجریبی، متوفای ۱۲۳۶ قمری، از دانشمندانی است که کتاب‌های زیادی از وی به‌یادگار مانده است. زندگانی ایشان مصادف با دو سلسله پادشاهی زندیان (۱۱۶۳-۱۲۰۹ ق) و قاجاریان (۱۲۰۹-۱۳۴۴ ق) بود. در ذیل یکی از رساله‌های خطی و سجع (نقش) مهر ایشان بررسی شده و پیشنهاداتی ارائه شده است:

۴/۱. شناسایی نشدن برخی از رساله‌های خطی

دو کتاب محمدکاظم هزارجریبی با نام‌های «رافعة التوهم» و «کاشف الغلو و هادی اهل الغلو» می‌باشد. تصویر ذیل، یکی از صفحات نسخه خطی است که در کتابخانه رضوی مشهد نگهداری می‌شود:

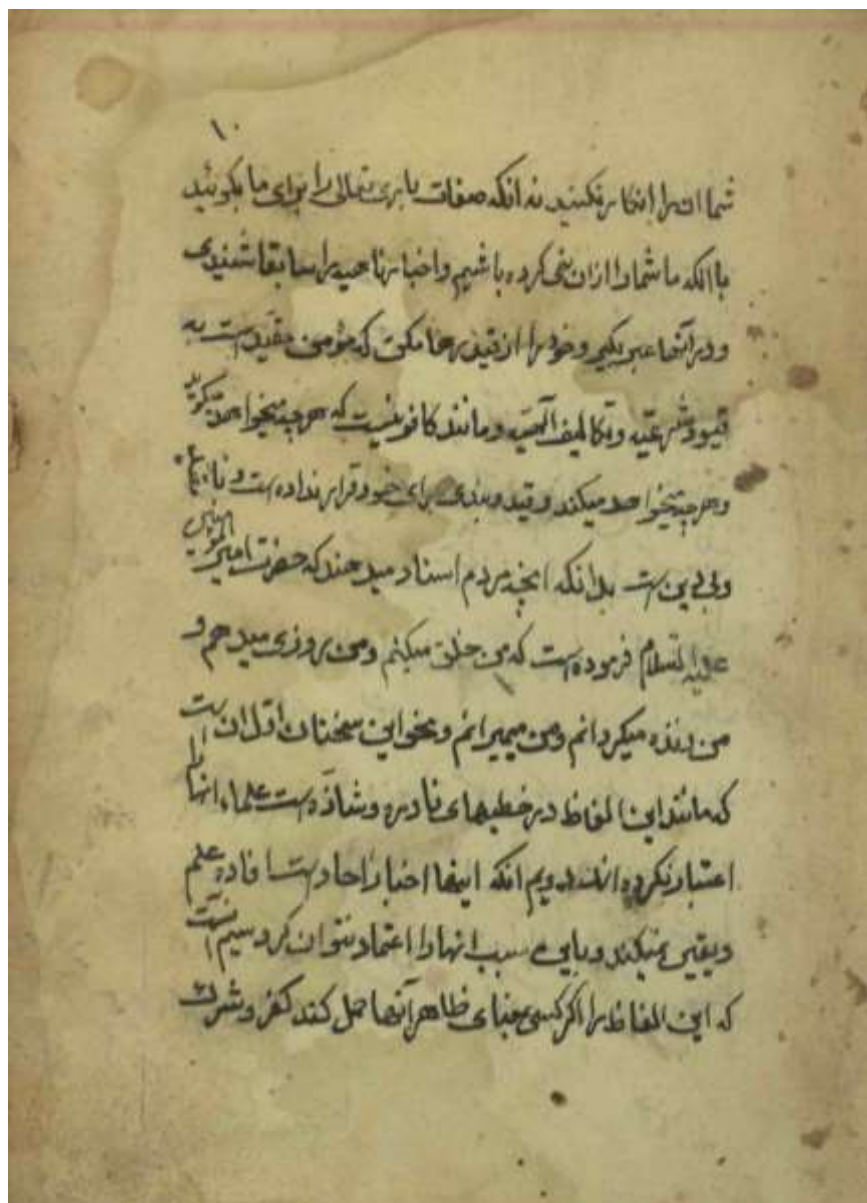
هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی کاشف الغلو و هادی اهل الغلو، مشهد - رضوی، ش: ۷۱۵۵ / نسخ / ۱۲۳۶.

در تصویر، رساله «رافعة التوهم» در انتهای رساله «کاشف الغلو و هادی اهل الغلو» آمده است. در واقع تصویر متعلق به ۲ رساله از هزارجریبی است:

الف) انتهای رساله «کاشف الغلو و هادی اهل الغلو»؛

ب) ابتدای رساله «رافعة التوهم». عبارت: بدانکه آنچه مردم اسناد می‌دهند.

در تصویر، کاتب هیچ اشاره‌ای به عنوان رساله «رافعة التوهم» نکرده است و حتی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و خطبه حذف شده است؛ به گونه‌ای که در نگاه نخست و ابتدایی، یک رساله به نظر می‌آید. همین امر سبب اشتباه فهرست‌نویس شده و در فهرست هیچ اشاره‌ای به رساله «رافعة التوهم» نکرده است. اصولاً به نظر من، فهرس کتب خطی در هر دهه لازم است بازنگری شود و دستاوردها و کشفیات مصححان که از راه تدقیق و تعمق در نسخه‌ها به دست می‌آید، در فهرس اضافه شود.



مدرک ۱

صفحه آخر نسخه خطی «کاشف الغلو و هادی اهل الغلو»

شماره: ۷۱۵۵، کتابخانه مشهد / رضوی

۲/۴. نقش مهر محمدکاظم هزارجریبی

مُهر جایگاه اجتماعی و حقوقی افراد جامعه را نشان می‌دهد. مُهرهای اشراف و علما منقح‌تر و زیباتر است نسبت به مُهرهای توده مردم؛ مانند عقدنامه‌ها که هرچقدر درجه اجتماعی افراد بالاتر بود، تزئینات عقدنامه‌ها مانند شنگرف و جدول‌کشی بیشتر می‌شد. دیباچه‌های برخی از نسخه‌های خطی هم بسیار زیباست و از نظر صفحه‌آرایی دارای نقوش، تزئینات، و تذهیب بسیاری است و این نشان‌دهنده آن است که رساله مهمی است که برایش هزینه کرده‌اند (علی قنبریان، مصاحبه با «استاد اسدالله عبدلی آشتیانی»، سال ۱۴۰۰ خورشیدی). غالباً بزرگان و علما مُهر داشته‌اند و از آن در رساله‌ها یا نامه‌های خود استفاده می‌کردند.

نسخه‌های خطی و سنگی بسیاری از مرحوم هزارجریبی در کتابخانه‌های مختلف ایران و خارج از ایران، برجای مانده است؛ همچون کتابخانه طبسی (امام رضا ع)، مجلس، ملی در ایران یا مکتبه کاشف الغطا در نجف اشرف. برخی از این نسخه‌ها به خط هزارجریبی و برخی نیز به خط کاتبان دیگری است که در زمان حیات هزارجریبی یا بعد از وفاتش کتابت شده است. در هیچ‌یک از نسخه‌ها، سجع مهر هزارجریبی نیست الا در انتهای دست‌نویس با عنوان «برهانیه کوچک/ البراهین الجلیه فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریه» در کتابخانه مجلس (شورا) به شماره ۴۵۲۷/۵.

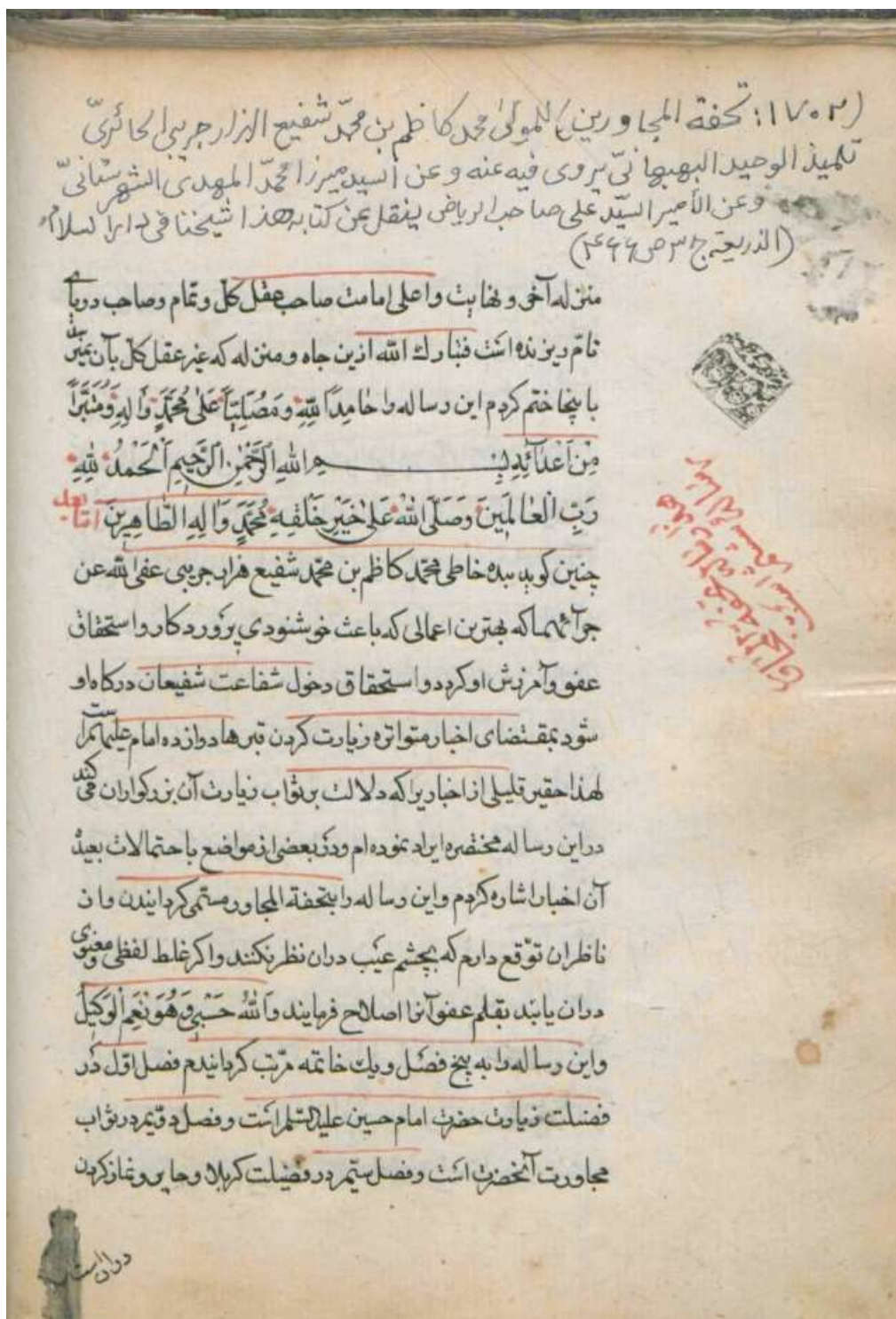
«سجع مُهر مربع شکل: (بنده آل محمد کاظم). نقر مهر (سالی که مهر ساخته شده است) ذکر نشده است.



مدرك ۲

نقش مُهر محمدکاظم هزارجریبی

انتهای رساله برهانیه کوچک



مدرک ۳

صفحه‌ای از رساله برهانیه کوچک که سجع مهر
محمد کاظم هزارجریبی در آن نقش بسته است

کتابخانه محلس (ش ۱)، ش: ۴۵۲۷/۵

۱/۲/۴. نظر نگارنده دربارهٔ سجع مهر هزارجریبی

الف) نقش مهر مقداری پیچیدگی داشته و از سمت بالا ریختگی دارد. «کاظم» را بزرگ نوشته تا بفهماند که نام صاحب مهر است.

ب) نقش مهر، خط (نثر) است و در آن از نقوش دیگر همچون: تصویر انسان، الهه‌ها، حیوانات، گیاهان، صور فلکی، تخیلی، و منوگرام‌ها، استفاده نشده است.

پ) مرحوم هزارجریبی در کربلا ساکن بوده است و زبان رسمی آنجا عربی است؛ درحالی که نقش مهر فارسی است و در آن اشکالی نیست؛ زیرا مرحوم هزارجریبی، ایرانی (مازندرانی) و زبان مادریش فارسی بوده است؛ چنان که اکثر کتاب‌هایش به زبان فارسی است ولو اینکه در کربلا نگارش یافته است. بنابراین، اگر کسی شناختی از هزارجریبی و موطن وی نداشت، از سجع مهر پی می‌برد که صاحب آن، فارسی‌زبان است.

ت) در نقش مهر هزارجریبی، تزئیناتی به کار نرفته است و این نشان از روحیهٔ ساده‌زیستی و زهد هزارجریبی است. ث) در مهر، عبارت «بندهٔ آل محمد کاظم» حک شده است. عبارت دلالت صریح بر این دارد که صاحب مهر، از دوستان و محبان آل محمد است. این خصلت و روحیه از کتاب‌ها و رساله‌های هزارجریبی هویدا است زیرا بیشتر آثار ایشان حول محور امامت و اثبات آن و پاسخ به شبهه‌هایی است که در رابطه با آن مطرح شده است.

در فهرست متعلق به کتابخانهٔ مجلس (شورا) به اشتباه، نقش مهر «محمدکاظم» ثبت شده است (پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی). برخی مواقع فهرست‌نویسان به خاطر کمبود وقت و تراکم نسخه‌ها برای فهرست‌نویسی، دقت لازم را در خوانش مهرها یا شناسایی نسخه‌های خطی از دست می‌دهند. به نظر می‌رسد برای اینکه کیفیت کار فهرست‌نویسان ارتقاء یابد، لازم است حق‌الزحمه‌ای که به آن‌ها پرداخت می‌کنند در مقابل ساعات و زمانی باشد که صرف نسخه‌ها می‌کنند نه در برابر کمیت و تعداد نسخه‌های فهرست‌شده.

یادداشت ۵. نکاتی دربارهٔ مقالهٔ «ملا محمدکاظم هزارجریبی و دو رسالهٔ غلوسیتزانه‌اش»

مقالهٔ «ملا محمدکاظم هزارجریبی و دو رسالهٔ غلوسیتزانه‌اش» نوشتهٔ جويا جهان‌بخش است. این مقاله، علی‌رغم بهره‌مندی از علم و ذوق و کوشش مصحح دانشمند متن، از لغزش و سهو برکنار نمانده است. به برخی از موارد اشاره می‌شود:

۱/۵. زیاده‌روی در اعراب‌گذاری (درج حرکات کلمات) و آوردن تشدید

تلفظ بسیاری از کلمات و واژه‌های در زبان فارسی، تک‌خوانشی، مأنوس، و پرکاربرد بوده و احتیاج نیست که نویسنده، با آوردن حرکات حروف خواننده را هشیار کند. احمد سمیعی در این باره گوید:

در اعراب‌گذاری باید به مواردی که احتمال رود خواننده متعارف آن نوع اثر در خواندن با مشکل روبه‌رو خواهد شد اکتفا گردد (احمد سمیعی، درباره ویرایش، «آداب ویراستاری»، ص ۳۰).

به نظر می‌رسد، در مقالهٔ ارزشمند و پرمحتوای «ملا محمدکاظم هزارجریبی و دو رسالهٔ غلوسیتزانه‌اش»، در درج حرکات کلمات افراط شده و واژه‌های آسان‌خوان و آسان‌یاب نیز، حرکت داده شده‌اند: برای نمونه در صفحهٔ اول

مقاله (صفحه ۵۱)، این موارد به چشم می خورد: «گذرا، بسنده، گمرنگ، خورند، حکمروائی، صفویان، بماند، رخ، بنیاد، ماجرا، برهه» (جويا جهان بخش، ملا محمد کاظم هزار جریبی و دو رساله غلوستیزانه اش "مزدک نامه ۵: یادبود پنجمین سالگرد درگذشت مهندس مزدک کیان فر"، ص ۵۱).

۲/۵. استفاده نکردن از نسخه بدل ها

در مقاله «ملا محمد کاظم هزار جریبی و دو رساله غلوستیزانه اش» ۲ رساله، با مقدمه دقیق و عمیقی، احیا و تصحیح شده است:

الف) رساله «منبّه الملحدین فی ردّ الغالین». از این رساله ۲ نسخه در کتابخانه طبسی (امام رضا ع) وجود دارد:
- قم - طبسی، ش: ۳۰۷/۸ / ابن شیخ محمد ارومیه ای کربلایی / نسخ / شوال ۱۲۳۶ / ۴ برگ.
- قم - طبسی، ش: ۶۰۰/۱۲ / از اول تا آخر / نسخ / ۱۲۳۷ / ۳ برگ / [ف مخ: ۲-۵۳۵] (مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته های ایران "دنا"، ج ۱۰، ص ۹۵).

در تصحیح رساله، فقط از نسخه شماره ۶۰۰/۱۲ استفاده شده است؛ در حالی که استفاده از چند نسخه در خوانش و تصحیح متون، سبب پاکیزه تر شدن متن مصحح و جلوگیری از اشتباهات لفظی می شود؛ زیرا توفیق اجباری است که مصحح متن را مجدداً از ابتدا تا انتها مرور کند. در شماره نسخه گفته ۶۰۰؛ در حالی که ۶۰۰/۱۲ است. و نشان دهنده آن است که شماره نسخه ۶۰۰ مجموعه ای از رساله هاست و رساله «منبّه الملحدین فی ردّ الغالین»، دوازدهمین آن هاست.

ب) رساله «کاشف الغلو و هادی اهل الغلو». این رساله، در موضوع عام کلام و اعتقادات و موضوع خاص غلو است. همچون رساله پیش توضیح داده شده، به فارسی است با این تفاوت که از آن مفصل تر و مبسوط تر است. سه نسخه از رساله در دو مخزن (کتابخانه) موجود است؛ به این قرار:

- قم - طبسی، ش: ۳۰۷/۶ / ابن شیخ محمد ارومیه ای / نسخ / پنجشنبه ۳ شوال ۱۲۳۶ / ۷ برگ.
- مشهد - رضوی، ش: ۷۱۵۵ / نسخ / ۱۲۳۶.
- قم - طبسی، ش: ۶۰۰/۱۳ / از اول تا آخر / نسخ / قبل از ۱۲۳۷ / ۶ برگ (مصطفی درایتی، فهرستواره دستنوشته های ایران "دنا"، ج ۸، ص ۳۷۲).

در تصحیح رساله، منحصراً از نسخه کتابخانه طبسی به شماره ۶۰۰/۱۳ استفاده شده است.

۳/۵. اشتباه در شخصیت شناسی و یکی دانستن دو شخصیت متمایز

مقاله «ملا محمد کاظم هزار جریبی و دو رساله غلوستیزانه اش»، تصحیح و احیاء ۲ رساله از رساله های محمد کاظم هزار جریبی است. ایشان هم نام معاصری دارند که ساکن شهر اصفهان بوده است. در صفحه ۸۷ و ۸۸ مقاله «ملا محمد کاظم هزار جریبی و دو رساله غلوستیزانه اش»، این دو شخصیت متمایز، یک نفر دانسته شده است: یک جنگ خطی مشتمل بر مطالب متفرقه در یکی از کتابخانه های شخصی اصفهان هست که بر هامش یکی از برگ های آن این یادداشت آمده است: «این کتاب مجموعاً خط مرحوم مغفور آخند ملا محمد کاظم هزار جریبی

می‌باشد و آخندِ مرحوم بسیار فاضل و ملاً بوده، در بسیاری از علوم استادِ ماهر بوده مثلِ اصول و فقه و تفسیر و غیره‌ها، و در اصفهان مشغولِ تدریس بوده، و در اصفهان وفات فرموده و جسدِ او را به عتباتِ عالیات نقل نمودند...»... باری، در این مجموعه کاتب تاریخ‌هایی هم نهاده که از ۱۲۳۰ تا ۱۲۳۷ق را دربرمی‌گیرد و در بعضی جای‌ها به کتابتِ نسخهٔ مذکور در اصفهان تصریح کرده و حتی یک‌جا به حضور خود در مدرسهٔ نمود (نیم‌اورد) که از مدارس مشهور و دائر اصفهان است اشارت نموده... چند صفحه‌ای از مجموعه را نیز «رسالهٔ ادبی عرض احوال کاتب هنگام اقامت در اصفهان سال ۱۲۳۲» اشغال کرده است. اگر این هزارجریبی همان فاضل هزارجریبی ما باشد، که گویا هست، می‌توان گفت: از رهگذرِ این جُنْگ بر آگاهی‌های تازه و ذی‌قیمتی دربارهٔ فاضل هزارجریبی دست یافته‌ایم؛ از جمله حضور درازمدت وی در اصفهان و همچنین نزدیک‌تر شدن به تاریخِ دقیقِ وفاتِ وی در اصفهان و همچنین نزدیک‌تر شدن به تاریخِ دقیقِ وفاتِ فاضلِ هزارجریبی؛ چه بر بنیادِ یادداشت‌های مسطور در این جُنْگ، هزارجریبی در دههٔ آخرِ محرم ۱۲۳۷ هـ.ق هم در قیدِ حیات و مشغولِ کتابت بوده است (جویا جهان‌بخش، ملا محمدکاظم هزارجریبی و دو رسالهٔ غلوستیزانه‌اش "مزدک‌نامهٔ ۵: یادبود پنجمین سالگرد درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر"، ص ۸۷-۸۸).

علاوهٔ بر نمونهٔ فوق، برخی نیز کتاب‌های این دو شخصیت و حکایاتشان را بعضاً به دیگری نسبت داده‌اند (محمدعلی وفا زواره‌ای، تذکرة مآثرالباقریة، ص ۳۷۴)، که حاکی از آن است که این ۲ شخصیت را یک‌نفر لحاظ کرده‌اند. مصحح کتاب «تذکرة مآثرالباقریة» در حاشیهٔ شمارهٔ ۲۱۸ در باب معرفی مولی محمدکاظم هزارجریبی اصفهانی، به‌واسطهٔ همین برداشت به معرفی ملا محمدکاظم حائری هزارجریبی و آثار او و حکایاتش پرداخته است.

شاید بتوان گفت منشأ این اشتباه کتاب‌هایی است که عموماً در مورد سید محمدباقر شفتی (۱۲۶۰ق) مرجع تقلید ساکن در اصفهان و حاکم شرع آن سامان نوشته شده است. در ضمن معرفی شاگردان سید شفتی و همچنین مقربین ایشان، نام مولی محمدکاظم هزارجریبی را ذکر کرده‌اند اما هیچ‌کدام به خصوصیات متمایزکنندهٔ بین این دو شخصیت اشاره نکرده‌اند (محمد مهدی بن محمدعلی موسوی شفتی، غرقاب، ص ۲۱۶؛ محمدعلی وفا زواره‌ای، تذکرة مآثرالباقریة، ص ۲۵۰).

۱/۳/۵. شواهدی بر متفاوت بودن دو شخصیت

به نظر نگارنده متفاوت بودن این دو شخصیت نیازمند تأمل و دقت فراخوری است تا بتوان منصفانه در این باب قضاوت کرد. به برخی از شواهد اشاره می‌شود:

شاهد اول: در برخی منابع ذکر شده است، مولی محمدکاظم هزارجریبی اصفهانی که از مقربین سید شفتی بوده است در زمان تأسیس مسجد سید در اصفهان حضور داشته و تحت تأثیر بنای آن مسجد و عظمت آن قرار گرفته است (محمدعلی وفا زواره‌ای، تذکرة مآثرالباقریة، ص ۲۵۰). وفای اصفهانی می‌نویسد: مهر سپهر فضل و فقاہت، مهر حکمت و نباهت، نحریر الفضلاء، منطق البلغاء، مولانا محمدکاظم الشہیر به هزارجریبی که اقرب

مقربین آن جناب [سید شفتی] و ملتزم رکاب سعادت نساب بود، از آن حادثه اصطکاک و اندکاک مصداق «خَرَّ مُوسَى صَعِقًا» (اعراف: ۱۴۳/۷) آمده و مدتی غرقه بحار اغماء بود. با مراجعه به منابع تاریخی روشن می‌شود، مسجد سید پس از ۱۲۴۰ ق بنا شده است (محمد مهدی بن محمد علی موسوی شفتی، غرقاب، ص ۲۱۵). هر چند صاحب «روضات» که شاگرد ایشان می‌باشد تاریخ ساخت مسجد را ۱۲۴۵ ق می‌داند و برخی دیگر ۱۲۴۸ ق. و این یعنی هزارجریبی اصفهانی شاگرد سید شفتی در آن سالها در قید حیات بوده است؛ درحالی‌که بنا به تصریح تراجم‌نگاران به استناد عبارات کاتبان و نسخه‌نویسان کتابهای مرحوم حائری هزارجریبی، ایشان قبل از ۱۲۳۸ ق از دنیا رفته است (محمد محسن آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۵۱۴).

شاهد دوم: سید شفتی در سال ۱۲۰۶ ق به اصفهان وارد شد و آنجا را وطن خویش قرار داد و سالها در نهایت فقر و گمنامی به سر برد تا آنکه کم‌کم در بین مردم و به‌ویژه اهل علم شناخته شد (سید حسن صدر، تکملة امل الامل، ج ۵، ص ۲۳۹؛ شیخ عباس قمی، الکنی و الالقاب، ج ۲، ص ۱۷۴). البته برخی سال ورود ایشان به اصفهان را ۱۲۱۷ ق دانسته‌اند اما به دلیل آنکه وی بعد از خارج شدن از عراق، به قم و سپس کاشان رفته و مدتی در نزد ملا مهدی نراقی متوفای ۱۲۰۹ ق درس خوانده است و دیگر ادله، این ادعا درست نیست. این درحالی است که در مورد حضور مرحوم حائری هزارجریبی در اصفهان، اسناد تاریخی گویای این نکته هستند که ایشان زمانی در اصفهان و در نزد حکیم بیدآبادی حضور داشته است که مقارن جوانی سید شفتی بوده که اصلاً در اصفهان نمی‌زیسته است، و حکیم بیدآبادی قریب ده سال قبل از ورود سید شفتی به اصفهان در سال ۱۱۹۷ ق از دنیا رفته بود و این در حالی بوده که مرحوم حائری هزارجریبی مدت‌ها پیش از وفات حکیم بیدآبادی به کربلا هجرت کرده بود. از سوی دیگر هیچ گزارشی مبنی بر مراجعت مجدد او به اصفهان و اقامت در آن نیامده، بلکه شواهد برخلاف آن موجود است و همیشه در کربلا سکونت داشته است (محمد محسن آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱، ص ۵۱۴). علاوه بر آن، مرحوم حائری هزارجریبی در فصل سوم کتاب «تحفة المجاور» مطالبی را در باب اقامت و دفن در کربلا نقل می‌کند که نشان‌دهنده تمایل وی به سکونت در کربلا است. از سوی دیگر شهرت او به حائری در نزد تراجم‌نویسان دلیل دیگری بر سکونت وی در کربلا و حائر حسینی است.

شاهد سوم: با توجه به تلمذ مرحوم حائری هزارجریبی در نزد مرحوم حکیم بیدآبادی (۱۱۹۷ ق) و نیز قرب و جایگاهی که در نزد وحید بهبهانی و سید صاحب ریاض داشته تا آنجا که در همان صندوقی که آن دو، در حرم سیدالشهدا (ع) مدفون‌اند به خاک سپرده شد (محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۶۵؛ محمد محسن آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۲۱، ص ۱۹۱) و نیز قضایایی که از سید بحر العلوم (۱۲۱۲ ق) و سید شهرستانی (۱۲۱۶ ق) (محمد کاظم هزارجریبی، مجموعه آثار محمد کاظم هزارجریبی: تحفة الاخیار افضلیت ائمه تحفة المجاور حدیث عنوان بصری گنج الشفاء و رافع الداء رساله از وضو و نماز، ص ۱۰۴) نقل می‌نماید، همه گویای سابقه بیشتر مرحوم حائری هزارجریبی در شاگردی آن بزرگواران نسبت به سید عظیم الشان شفتی بوده و به احتمال قریب به یقین از سید شفتی بزرگ‌تر یا هم‌سن و سال هم بوده‌اند و این خود

نشان از متفاوت بودن حائری هزارجریبی با مولی محمدکاظم هزارجریبی اصفهانی است که شاگرد و مقرب سید شفتی در اصفهان بوده است.

حائری هزارجریبی در کتاب‌های مختلفی از سید بحرالعلوم (ره) مطالبی نقل کرده است. بخشی از این مطالب در کتابی جداگانه با عنوان «فضایل و کرامات علامه سید محمد مهدی بحرالعلوم (ره)» به قلم هزارجریبی چاپ و منتشر شده است.

شاهد چهارم: باتوجه به حکایتی که مرحوم تنکابنی از زبان ملا محراب گیلانی اصفهانی در مورد لعن‌های مرحوم حائری مازندرانی نقل می‌کند که مرحوم حائری هزارجریبی حتی ملا محراب را هم در ضمن حکما و فلاسفه و صوفیه، در بالاسر سیدالشهدا (ع) لعن نموده بود (محمد بن سلیمان تنکابنی، قصص العلماء، ص ۸۴) و باقی ماجرا که تحلیل آن مجالی دیگر را می‌طلبد، اگر مولی محمدکاظم هزارجریبی اصفهانی را با مرحوم ملا محمدکاظم حائری هزارجریبی یکی بدانیم، چگونه می‌توان باور کرد که شخصیتی عالم و شناخته‌شده در اصفهان مانند هزارجریبی اصفهانی، ملا محراب را که ساکن اصفهان و هم‌شهری او بوده و خود، حکیمی نامور و عارفی معروف بوده (سیدعلی جناب، رجال و مشاهیر اصفهان، ص ۵۱۷) و جایگاه استادی بر اساطین علمی نظیر شیخ محمدابراهیم کلباسی (محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۹۲) - که هم‌عصر و هم‌درس سید شفتی بوده - داشته است را به چهره شناسد و جالب‌تر آنکه بدون اینکه او را بشناسد و تنها به صرف شنیدن افکار و مرامش لعن کند؟

نگارنده با توجه به حکایاتی که از مرحوم حائری هزارجریبی نقل شده و با توجه به افکار ضد فلسفی، ضد عرفانی، و ضد تصوف او، اصل داستان ملا محراب در کربلا را رد نمی‌کند اما جزئیاتش را مخدوش می‌داند.

شاهد پنجم: نکته مهم دیگری که باید به آن توجه کرد این است که مرحوم مولی محمدکاظم هزارجریبی اصفهانی کتابی دارد که جنگ‌مانند بوده و مطالب متنوعی در آن نقل شده است (جویا جهان‌بخش، ملا محمدکاظم هزارجریبی و دو رساله غلوستیزانه‌اش، ص ۸۷) در مقاله «سنجه کتاب: بخش اول» صفحه ۲۱ محقق ارجمند علی اکبر صفری می‌نویسد: در گوشه‌ای از اوراق جنگ هزارجریبی (نسخه شماره ۱۹، کتابخانه آیت‌الله سید حسن فقیه امامی) این یادداشت درباره ایشان نوشته شده است: «این کتاب مجموعه، خط مرحوم مغفور آخوند ملا محمدکاظم هزارجریبی می‌باشد و آخوند مرحوم بسیار فاضل و ملاً بوده. در بسیاری از علوم استاد ماهر بوده مثل اصول و فقه و تفسیر و غیرها. در اصفهان مشغول تفسیر بوده و در اصفهان وفات فرموده و جسد او را به عتبات نقل نمودند. رحمه الله.»

به نظر می‌رسد این کتاب همان کشکولی است که آقابزرگ تهرانی در «الذریعه» آن را ذکر کرده و نویسنده را محمدکاظم هزارجریبی معرفی نموده است و تاریخ کتابت آن از سال ۱۲۲۲ق تا ۱۲۲۷ق است (محمد محسن آقابزرگ تهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۸، ص ۷۷) و در مقابل مرحوم حائری مازندرانی در سال ۱۲۳۵ق در فهرستی که خود از تألیفاتش نام برده، اصلاً نامی از کشکول یا جنگ نیاورده است (علی اکبر صفری،

فهرست خودنوشت ملا محمدکاظم هزارجریبی "جشن نامه آیت الله رضا استادی"، (ص ۹۰۷-۹۱۹) و این بدین معناست که به احتمال زیاد، نویسنده کشکول همان مولی محمدکاظم هزارجریبی اصفهانی می باشد. علاوه بر این در بین نسخ خطی برخی کتابخانه ها، کتابی با عنوان «حاشیه بر حاشیه شیروانی بر کتاب معالم» وجود دارد که نویسنده آن محمدکاظم هزارجریبی است (سیداحمد حسینی اشکوری، فهرست کتابخانه مرعشی، ج ۲، ص ۲۱۸، شماره ۶۱۹). نام این کتاب هم در فهرست مرحوم حائری هزارجریبی نیامده است و به احتمال زیاد از آثار مرحوم مولی محمدکاظم هزارجریبی اصفهانی است.

شاهد ششم: در صورت صحت انتساب کتاب های یادشده، مطلب دیگری هم آشکار می گردد که هم نویسنده «الذریعه» در معرفی مؤلف «کشکول» و هم در ضمن اطلاعاتی که از نسخ خطی «حاشیه بر حاشیه معالم» به دست داده شده است، مرحوم هزارجریبی اصفهانی را محمدکاظم بن محمدنصیر معرفی کرده اند که این شاهی دیگر بر متفاوت بودن این شخصیت با مرحوم حائری هزارجریبی است زیرا در کتابهای هماره نام پدر خود را «محمدشفیع» عنوان کرده است.

با توجه به چنین شواهدی که هرکدام به تنهایی می تواند در اثبات ادعای نگارنده کافی باشد، احتمال مشترک بودن ملا محمدکاظم حائری هزارجریبی مازندرانی با همان معاصرش مولی محمدکاظم هزارجریبی اصفهانی کاملاً منتفی است (محمدکاظم هزارجریبی، خداشناسی: تصحیح رساله اثبات صانع و اصول دین، ص ۱۲-۲۰، بخشی از مقدمه حجت الاسلام علیرضا لیاقتی هزارجریبی).

۵/۴. گفت وگوی هزارجریبی با ملا محراب گیلانی

مرحوم هزارجریبی همان طور که از برخی آثارش پیداست، عرفا و متصوفه را چندان قبول نداشته و آن ها را نقد می کند. ظاهراً مخالفت وی منحصر به مکتوباتش نبوده و در اجتماع آن روز کربلا نیز مخالفت و عناد خویش را علنی و آشکار می کرده است. با توجه به شرایط آن روزگار و نیز اهتمام جدی مجتهدان و متکلمان عصر قاجاری برای مقابله با درویش و صوفیه و داعیه داران عرفان به ویژه تلاش های علمی و عملی ملا محمدکاظم هزارجریبی (ره) در این عرصه، حکایتی را مرحوم تنکابنی در کتاب «قصص العلما» ذیل عنوان حکیم ملا محراب گیلانی اصفهانی نقل کرده است. در آن واقعه، چهره هزارجریبی طوری نشان داده شده است که علاوه بر آنکه به صورت افراط گونه و بیش فعال با عرفان و فلسفه مخالف بوده است، بلکه اولیات و اصطلاحات رایج فلسفه و عرفان نظری را هم نمی دانسته است. محمدبن سلیمان تنکابنی، در قصص العلما، به مناسبت ذکر تحصیلات پدرش (سلیمان بن محمد رفیع) در اصفهان، نوشته است:

«و در آن زمان در اصفهان، ملا محراب [عارف و فیلسوف مشهور شیعه در دوره زندیه و قاجار که در اصفهان می زیسته است] بود که از اعظام و مشاهیر عرفا بود و کشف از مغیبات می نمود. زمانی ملا محراب به زیارت حضرت سید الشهدا (ع) مشرف شد؛ در بالا سر نشست؛ و ملا کاظم نامی هزارجریبی که در علم، پایه ای چندان نداشت و در بالای سر پیش نماز بود، این دو نفر پهلوی هم نشستند. پس بعد از نماز صبح، ملا محمدکاظم،

حکمای صوفیه را اسم می‌برد و هریک را یک تسبیح که صد دفعه باشد، لعن می‌نمود. پس یک تسبیح ملاصدرا را لعن کرد و یک تسبیح ملا محسن فیض را لعن کرد. پس از آن، یک تسبیح ملا محراب را لعن کرد. ملا محراب از او سؤال کرد که این شخص که او را لعن می‌کنی، کیست؟ گفت: ملا محراب اصفهانی است. ملا محراب گفت که: چرا او را لعن می‌کنید؟ گفت: به جهت اینکه او به وحدت واجب الوجود قائل است! [«واجب الوجود» را که اسم خداست، به اشتباه به جای «وحدت وجود» بیان کرد!] ملا محراب گفت که: الحال [که] او به وحدت واجب الوجود قائل است، او را لعن کن تا چنین اعتقادی پیدا نکند!! و ملا محمدکاظم چون شنیده بود که صوفیه به وحدت وجود قائل اند، پس او فرق میان وحدت وجود و وحدت واجب الوجود ننمود! (محمدبن سلیمان تنکابنی، قصص العلما، ص ۸۴).

۱/۴/۵. تحلیل واقعه هزارجریبی با ملا محراب گیلانی

درباره گفت‌وگوی بالا دو نظر مطرح است:

- نظر جویا جهان‌بخش؛

- نظر علیرضا لیاقتی هزارجریبی.

الف) نظر جویا جهان‌بخش:

محقق معاصر جناب جویا جهان‌بخش در این باره گوید:

به گواهی اسناد، برخی از عرفان‌گرایان برای فروکوفتن مخالفان و آزارندگان اهل طریقت خویش، از برخی واکنش‌های نااخلاقی اجتناب نمی‌کرده و احياناً در تحقیر و تخریب سیمای این مخالفان کوتاهی نمی‌نموده‌اند!! پردازش و گزارش این قصه هم به گمان من، از همین سنخ واکنش‌ها می‌تواند بود. این قصه را به گمان من، بدین صورت، کسانی ساخته‌اند که به زعم خود می‌خواسته‌اند مخالفان تَفَلُّسُف و تَصَوُّف را ریشخند کنند و از برخوردی خشک و ظاهربینانه امثال ملا محمدکاظم هزارجریبی به تنگ آمده بودند. اگر هم به‌راستی، هزارجریبی، به جای «وحدت وجود»، «وحدت واجب الوجود» گفته باشد به احتمال قریب به اطمینان، از مقوله سَبَقِ لسان بوده است؛ چه، مَرَد، آن اندازه هم تهیدست نمی‌نماید که میان وحدت وجود و وحدت واجب الوجود فرق نهاده باشد (جویا جهان‌بخش، ملا محمدکاظم هزارجریبی و دو رساله غلوستیزانه‌اش "مزدک‌نامه ۵: یادبود پنجمین سالگرد درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر"، ص ۵۳-۵۴ و ص ۸۸).

ب) نظر علیرضا لیاقتی:

حجت‌الاسلام لیاقتی در تبیین و تحلیل گفت‌وگو چنین بیان کرده است:

حکایتی را که مرحوم تنکابنی در کتاب «قصص العلما» ذیل عنوان حکیم ملا محراب گیلانی اصفهانی نقل می‌کند به نظر نگارنده این سطور از اساس باطل نیست اما به نظر می‌رسد در جزئیاتش باید تأمل جدی کرد. به نظر می‌رسد اصل وقوع چنین داستانی غیرقابل انکار است به‌ویژه با توجه به گزارشات پراکنده‌ای که نسبت به مقابله‌های این چنینی مرحوم هزارجریبی نقل شده است اما نکته قابل توجه نقل یک‌سویه و اگر نگوییم جانبدارانه و

بدبینانه طرفداران فلسفه و حکمت است. طبیعی است که این داستان در ظاهرش تعظیم ملا محراب اصفهانی را در پی داشته باشد زیرا پدر نویسنده کتاب (میرزا محمد تنکابنی) یعنی میرزا سلیمان تنکابنی با ملا محراب حکیم کمال مراوده و مصاحبت داشته است و به بهانه ذکر نام ملا محراب، داستان ملا محمدکاظم هزارجریبی با ملا محراب اصفهانی را نقل می‌کند.

نقطه اصلی ماجرا همان عبارت «وحدت واجب الوجود» است. هرچند برخی تلاش کرده‌اند تا این را با احتمال «سبق لسان» و خطای گفتار توجیه نمایند که در حقیقت منظور مرحوم هزارجریبی اشاره به بحث وحدت وجود بوده که در آن روزگار پاشنه آشیل فلاسفه و عرفا و نیز سکه رایج و شاهیت نقد فلسفه و عرفان بوده است. هرچند این ادعا خالی از وجه نبوده و محتمل می‌نماید اما نگارنده معتقد است این خطا و اشتباه ممکن است از سوی مخاطب مرحوم هزارجریبی یعنی مرحوم ملا محراب باشد یعنی مرحوم هزارجریبی، حکما و فلاسفه را از این باب که ایشان خداوند را واجب الوجود نامیده‌اند، ضال و بر عقیده باطل می‌دانست. هزارجریبی & در ضمن عقاید باطل حکما و فلاسفه بیان می‌کند که آن‌ها خداوند متعال را واجب الوجود نامیدند درحالی که اسماء الهی توقیفی بوده و فقط باید با دلیل نقلی مانند آیات و روایات بیان شود. در «منبه المغرورین» می‌نویسد:

«یکی از سخنانی که گفته‌اند آنست که صانع عالم را واجب الوجود نامیده‌اند با آنکه اسماء الله توقیفی است یعنی هر آنچه در قرآن و در اخبار و در دعاهای مأثوره برای باری تعالی شأنه وارد شده نامیدن حق تعالی به آن جایز است و هرچه که وارد نشده نامیدن به آن نام جایز نیست.» (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی منبه المغرورین، تهران: کتابخانه ملی، شماره نسخه: ۵۳۲۱۴۹)

از آنجاکه برای ملا محراب حکیم این چنین مبنایی غریب و ناآشنا بوده و ظاهراً انتظار داشته تا نقد وحدت وجود را بشنود لذا به صرف شنیدن واجب الوجود این نتیجه را می‌گیرد که مرحوم هزارجریبی از اندک سواد و اطلاعی از فلسفه برخوردار نبوده و فرق واجب الوجود را با وحدت وجود نمی‌داند لذا به طعنه به او می‌گوید حال که ملا محراب چنین اعتقادی دارد او را لعن کن!

نظر نگارنده (جمع‌بندی و نتیجه‌گیری درباره ملاقات هزارجریبی و ملا محراب):

آقای جو یا جهان‌بخش دو احتمال داده است:

احتمال اول: واقعه از اساس باطل است و هیچ گفت‌وگویی شکل نگرفته است. بنابراین احتمال، داستان از سوی متصوفه جعل شده است.

احتمال دوم: سبق لسان و اشتباه لفظی از سوی محمدکاظم هزارجریبی رخ داده است.

حجت الاسلام لیاقتی، گفته هزارجریبی را در حوزه نظریه توقیفی بودن اسماء الهی تفسیر کرده است.

به نظر می‌رسد، تحلیل استاد لیاقتی صحیح باشد؛ به‌ویژه آنکه مؤیدی نیز از کلام هزارجریبی درباره توقیفی بودن اسماء الهی ارائه کرده است. در اینکه هزارجریبی مخالفت شدیدی با عرفان و تصوف داشته شکی نیست اما اینکه این ضدیت بدون معرفت و یا با معرفت کم باشد، صحیح نیست. پس واقعه هزارجریبی و ملا محراب از اساس

کذب و باطل نیست. چطور هزارجریبی فرق بین اصطلاح بسیار مشهور و جافتاده «وحدت وجود» را با «وحدت واجب الوجود» نداند، درحالی که در کتاب‌هایش از عقل و استدلالات عقلی در اثبات عقاید شیعه استفاده کرده است و شاگرد دانشمندانی چون علامه بحرالعلوم و حکیم بیدآبادی بوده است! همچنین وی در برخی از آثارش به اصطلاح مشهور عرفانی وحدت وجود اشاره کرده است و عالم و آشنای به این اصطلاحات بوده است. بنابراین، اینکه ایشان فرق وحدت وجود و وحدت واجب الوجود («واجب الوجود» را که اسم خداست، به اشتباه به جای «وحدت وجود» بیان کرد!) را نفهمیده باشد بعید بلکه محال عرفی است.

مؤید دیگر بر اینکه هزارجریبی عارف به اصطلاح وحدت وجود بوده و چنین اشتباه فاحش و کودکانه‌ای از وی سر نزده است، تصریح وی در برخی از آثارش به اصطلاح مشهور عرفانی وحدت وجود است و عالم و آشنای به این اصطلاحات بوده است:

الف) مرحوم هزارجریبی درباره یک دسته از فرقه‌های منحرف چنین آورده است: «و بعضی دیگر بلکه اکثر ایشان وحدت وجودی اند برای متابعت محی الدین اعرابی». (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی فواید لطیفه، قم: کتابخانه حوزه علمیه فیضیه، شماره نسخه: ۱۲۳۹/۶).

ب) «و باعث قوت این هر دو منکر، طایفه ملایند زیرا که همه ملاها اگر صوفیه را مذمت نمایند و اظهار بدعت ایشان کنند، مردم از بدعت ایشان دوری کنند و این جماعت ملا فرقه‌های مختلفی اند. بعضی از ایشان صوفی را خوب می‌دانند و خودشان ایضاً چنین اعتقاد دارند چنان که ملا عبدالرزاق لاهیجی صاحب گوهر مراد که شرح بر گلشن راز شیخ شبستری نوشته است [از همین قسم است]. شارح و ماین هر دو وحدت وجودی اند». (محمدکاظم هزارجریبی، نسخه خطی فواید لطیفه، قم: کتابخانه حوزه علمیه فیضیه، شماره نسخه: ۱۲۳۹/۶).

پ) درباره یکی از شعرا با نام «عرفی شیرازی» چنین گوید:

«بدانکه عرفی یکی از اهل ذوق و صوفی وحدت وجودی و از اهل عشق است و پیوسته شاعری می‌کرد و خمر می‌آشامید و در اشعار خود اظهار وحدت وجود نمود». (محمدکاظم هزارجریبی، ناشناخته، تهران: کتابخانه ملی، شماره نسخه خطی: ۵-۳۲۱۴۹).

۵/۵. موارد جزئی دیگر

۱. در حواشی نسخه تاریخ‌هایی ذکر شده است و بیان این تاریخ‌ها مفید است. در مقاله «ملا محمدکاظم هزارجریبی و دورساله غلوستیزانه‌اش»، اشاره‌ای به این تاریخ‌ها نشده است:

«شال پشمنی اگر ملک پوشد / پیش چشم جهانیان خار است / جل رنگین اگر خری پوشد / السلام السلام در کار است. فی شهر شعبان ۱۲۳۷».

۲. پاورقی‌های توضیحی و سندی مربوط به مقاله، در انتهای مقاله و به صورت پی‌نوشت آورده شده است؛ درحالی که اگر به صورت پانویست و انتهای صفحه آورده می‌شد، شایسته‌تر و آسان‌یاب‌تر بود و خواننده مجبور نبود برای یافتن هر پاورقی به انتهای مقاله رجوع کند و رشته کلام از ذهنش به در رود.

۳. درج همزه در ابتدای کلمات فارسی: اخیر (صفحه ۵۱)؛ اسناد (صفحه ۵۲)؛ أبوالفضل، أعظم، أكبر، أوائل (صفحه ۵۳)

۴. برخی بر این باورند که یکدستی و وحدت رویه، مهم‌ترین اصل جاری و حاکم بر تمام جوانب متن در ویرایش صوری، ویرایش زبانی، صفحه‌آرایی، و... می‌باشد (محمد مهدی باقری، درس‌نامه کارگاه ویرایش و درست‌نویسی، ص ۳۴). در مقاله، برخی موارد وحدت رویه وجود ندارد. مثال: در ص ۸۲ خط ۹: هیچ چیز (بدون فاصله) خط ۱۰ و ۱۱: هیچ چیز (با فاصله)

۵. نویسنده فاضل مقاله، آقای جویا جهان‌بخش، در کتاب «راهنمای تصحیح متون»، چهار شیوه در حوزه تصحیح متن‌های فارسی و عربی، معرفی کرده است: الف) تصحیح بر مبنای نسخه اساس ب) تصحیح التقاطی پ) تصحیح به شیوه بینابین ت) تصحیح قیاسی (جویا جهان‌بخش، راهنمای تصحیح متون، ۲۹-۳۳)؛ اما نوع تصحیح خود را در مقاله «ملا محمد کاظم هزارجریبی و دو رساله غلوستیزانه‌اش» مشخص نکرده است!

۶. غلط املائی: الوحید الهیهانی.

۷. در متن مقاله به منبع ذیل استناد کرده است:

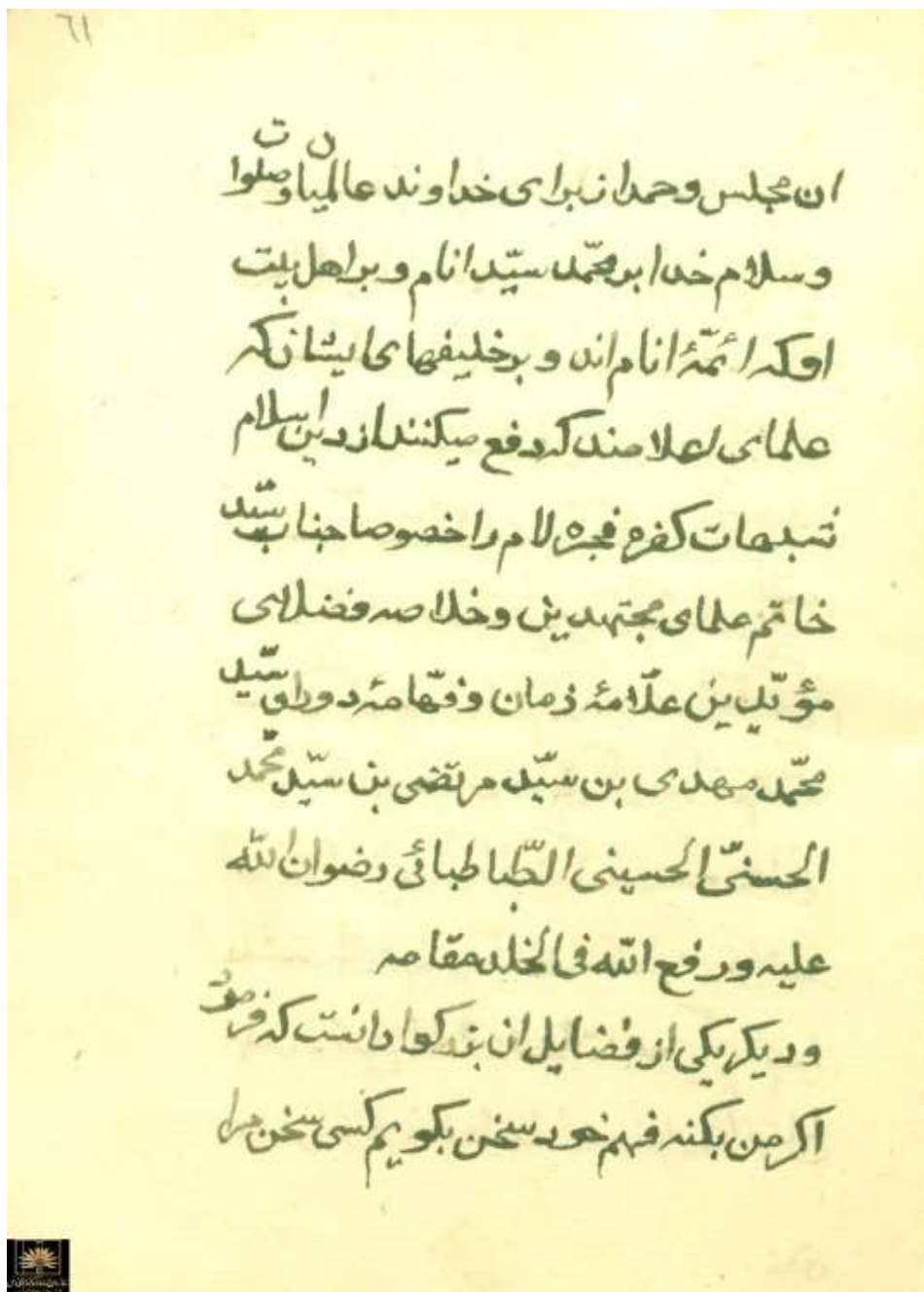
زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۲، دنباله جستجو در تصوف ایران، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ اول.
اما در فهرست منابع انتهای مقاله ذکر نشده است.

یادداشت ۶. لزوم معرفی دقیق نسخه‌های خطی

زمانی که رساله «جدلیه» از رسائل فارسی مرحوم آیت‌الله محمد کاظم هزارجریبی را تصحیح می‌کردم از سه نسخه استفاده کرده و آن‌ها را مقابله کردم. همان‌گونه که از عنوان مشخص است، این رساله درباره مناظره و گفتگوی علمی است. این مناظره با یهودیان ذوالکفل است. ذوالکفل شهری در سی کیلومتری جنوب حله میان نجف و کربلا می‌باشد (زاینه اشمیتکه و رضا پورجوادی، مناظره بحرالعلوم سید محمد مهدی بروجرودی طباطبایی "۱۲۱۲ ه.ق" با یهودیان ذوالکفل گزارش‌های عربی و فارسی، ص نه و ده) همان‌طور که از عنوان رساله مشخص است، درباره جدل و مناظره است، هرچند که در اواخر، رنگ و بوی اخلاق و موعظه دارد (محمد کاظم هزارجریبی، مناظره علامه بحرالعلوم با یهودیان ذوالکفل: تصحیح رساله جدلیه، ص ۲۲). در انتهای دو نسخه از رساله مزبور (کتابخانه ملی، ش: ۵/۳۲۱۴۹؛ کتابخانه ملی، ش: ۵/۱۴۶۲۸) مطالبی درباره فضایل مرحوم بحرالعلوم آمده بود که هیچ ارتباطی به مناظره و جدل نداشت. به‌طوری‌که اگر آن مطالب انتهایی را با رساله «جدلیه» چاپ می‌کردم، ضایع گشته و مورد استفاده بهینه قرار نمی‌گرفت. فهرست‌نویسان مطالب و ملحقات مزبور را با رساله «جدلیه» فهرست کرده‌اند. لازم است برای استفاده محققان و پژوهشگران و بازیابی در جست‌وجوهای کتابخانه‌ای و اینترنتی، ملحقات مزبور توصیف و تبیین یا حتی به‌صورت مجزا عنوان‌گذاری شده و فهرست شود.

سید محمد مهدی بن سید مرتضی طباطبایی نجفی بحرالعلوم (۱۱۵۵-۱۲۱۲ ق/ ۱۷۴۲-۱۷۹۷ م)، فقیه، محدث، حکیم، ادیب و سردودمان آل بحرالعلوم و رئیس حوزه علمیه نجف و مرجع شیعیان در روزگار خود بود. مورخان

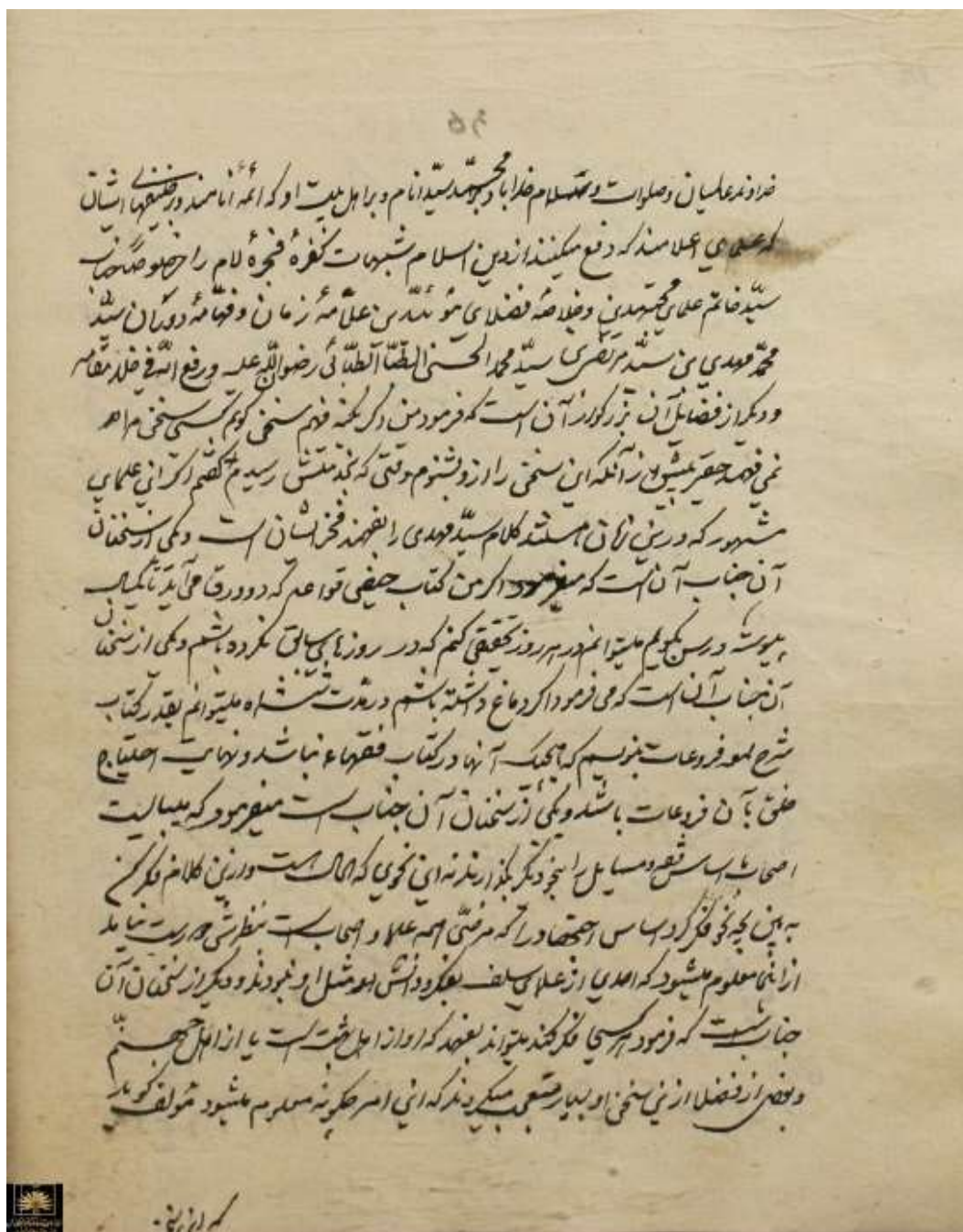
نقل کرده‌اند که سید مهدی به‌عنوان دانشجو برای استفاده از محضر درس فیلسوف بزرگ، میرزا سید محمد مهدی اصفهانی به خراسان سفر کرد. مدت ۶ سال در آنجا اقامت گزید و بالاترین بهره‌ها را از استاد خود گرفت. میرزا اصفهانی که از هوش سرشار شاگردش شگفت‌زده شده بود، روزی در اثنای درس خطاب به او گفت: «انما انت بحر العلوم» (به راستی تو دریای دانشی) و از آن لحظه سید به این لقب مشهور شد و امروز خانواده بحر العلوم از خانواده‌های معروف و مشهور نجف اشرف می‌باشند و چهره‌های شاخصی در علم و عمل در بین آنان وجود دارد. وی کتابی بسیار مفید در عرفان با عنوان «رساله‌ای در سیر و سلوک» نگاشته است. از آنجا که محمد کاظم هزارجریبی شاگرد بلاواسطه ایشان بوده است، مطالبی که از وی نقل کرده است، می‌تواند بیانگر حقایق بکری باشد که برای خوانندگان مفید است.



مدرک ۴

صفحه‌ای از نسخه خطی جدلیه

کتابخانه ملی، ش: ۵/۱۴۶۲۸



مدرک ۵

صفحه‌ای از نسخه خطی جدلیه

کتابخانه ملی، ش: ۵/۳۲۱۴۹

یادداشت ۷. اشتباه در نام مؤلف

نسخه خطی کتابت شده در قرن نهم در کتابخانه ملک واقع در شهر تهران، با این مشخصات فهرست شده است: عنوان: «من فوائد (الخواطر لأرباب القلوب)»، شماره ثبت اموال: ۴۰۳۴/۸، مجموعه ۱۰۱۳، مؤلف: سهروردی، یحیی بن حبش، کاتب: علوی اردکانی، محمد بن احمد، خط: نسخ، قرن ۹ق، محل نگهداری نسخه: کتابخانه ملک تهران، محل تألیف: در اردکان، عنوان اصلی: رشف النصائح الایمانیه و کشف الفصائح الیونانیة، موضوع: فلسفه اسلامی، نوع خط: نسخ، ۸۴۶ق، تعداد سطرها: ۲۵، نوع کاغذ: ترمه، تعداد و اندازه اوراق: ۱۶۵ - طول: ۱۹/۳، عرض: ۱۱/۷، عناوین به: عنوان و نشان شنگرف، نوع جلد: میشن سیاه، مجموعه ۱۳ رساله است که هشتمین آن می باشد. فهرست نویسنده رساله را یحیی بن حبش معروف به شیخ اشراق معرفی کرده است.

چندی پیش یکی از پژوهشگرانی که درباره شیخ اشراق و آثارش تحقیق می کند، دکتر محمد ملکی عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب، با دیدن اطلاعات رساله مذکور در سایت کتابخانه ملک، تصمیم گرفت نسخه را تهیه و تصحیح کند، اما با تحقیقاتی که انجام دادم، مشخص شد که رساله مذکور از آن سهروردی معروف به شیخ اشراق نیست. اما توضیح مطلب:

در تاریخ، حداقل نام ۳ تن با عنوان سهروردی ثبت شده است:

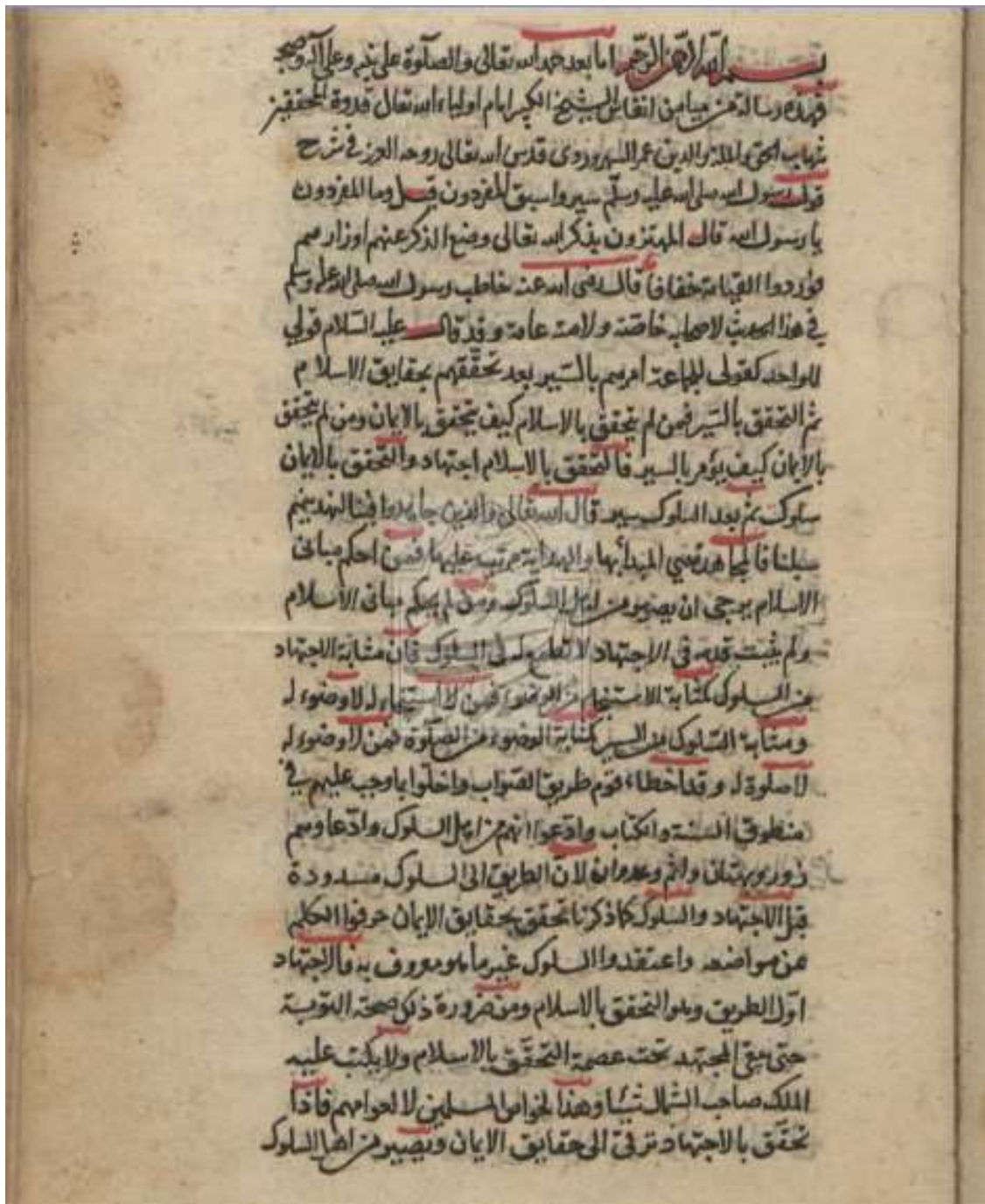
الف) شهاب الدین یحیی سهروردی: معروف به شیخ اشراق و شیخ مقتول و شیخ شهید (۵۴۹-۵۸۷ق) فیلسوف نامدار ایرانی، اهل شهر سهرورد شهرستان خدابنده استان زنجان است. وی از بزرگترین فلاسفه تاریخ ایران اسلامی است.

ب) شهاب الدین عمر سهروردی: ابو حفص عمر بن عبدالله شهاب الدین سهروردی فقیه شافعی، از نامدارترین شیوخ تصوف و مؤسس سلسله سهروردی و شیخ الشیوخ بغداد بوده است که میان سالهای ۵۴۲ تا ۶۳۲ قمری می زیسته است و در سالهای میان ۶۲۰ تا ۶۳۲ قمری در بغداد درگذشته و در مقبره ای به نام وردیه دفن شده است. او ساکن بغداد بوده و به دربار خلیفه هم رفت و آمد داشته است. سعدی شیرازی و کمال الدین اسماعیل اصفهانی از مریدان او بوده اند. سهروردی مذهب شافعی داشته، برادرزاده ابوالنجیب سهروردی و جانشین او در طریقت بوده است.

پ) ضیاء الدین ابوالنجیب عبدالقاهر سهروردی (۴۹۰-۵۶۳): از مشایخ صوفیه در سده ششم هجری بود. او آغازگر و مرکز اتصال برخی سلاسل صوفیه، از جمله سلسله سهروردیه است. رشته تصوف او به شهاب الدین عمر سهروردی و پس از او نیز به عزالدین محمود کاشانی (وفات ۷۳۵ق) مؤلف «مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه» می رسد. پس از مرشدش احمد غزالی او به طور رسمی آغازگر سلسله ذهبیه بود و به گونه ای قطب دهم این سلسله و اولین قطب غیر مشترک میان سلسله ذهبیه و سلسله مولویه و سلسله نعمت اللهیه بود.

همان طور که بیان شد، فهرست نویسنده زحمت کش و پرتوان کتابخانه ملک، رساله «من فوائد (الخواطر لأرباب القلوب)» را از آن سهروردی اول یعنی شیخ اشراق دانسته است. رساله مذکور هشتمین رساله از مجموع سیزده رساله است. در رساله مذکور هیچ اشاره ای به نام شیخ اشراق نشده است و فقط در ابتدای آن آمده است: «و من فواید قدس الله روحه و نور ضریحه» و با ضمیر مفرد مذکر غایب به نویسنده اشاره شده است. برای مشخص شدن هویت نویسنده، به ناچار به رساله

هفتم رجوع شد. در رساله هفتم نیز نام نویسنده ذکر نشده و با این جمله رساله شروع شده است: «من کلامه الشریف قدس الله تعالی روحه العزیز» و با ضمیر مفرد مذكر غایب نام نویسنده را در هاله‌ای از ابهام گذارده است. در ابتدای رساله ششم، چنین آمده است: «بسم الله الرحمن الرحيم اما بعد حمدالله تعالی و الصلوة علی نبیه و علی آله و صحبه فهذه رسالة من بیان انفس الشيخ الكبير امام اولياء الله تعالی قدوة المحققين شهاب الحق و الملة و الدين عمر السهروردی قدس الله تعالی روحه العزیز». با این عبارت، تکلیف رساله هفتم و هشتم نیز روشن می‌شود؛ زیرا مرجع ضمیر در آن‌ها نیز عمر سهروردی است که غیر از شیخ اشراق مشهور است و دومین سهروردی از سه سهروردی سابق‌الذکر است.



مدرک ۶

صفحه اول از رساله ششم کتابخانه ملک

شماره ثبت اموال: ۴۰۳۴/۶

بخش دوم: اسناد و خوانش آن

یادداشت ۸. اشتباه در تصویر میرزا موسی تفرشی وزیر / متوفای ۱۹ محرم ۱۲۸۲ قمری برابر با ۲۴ خرداد ۱۲۴۴ خورشیدی

میرزا موسی تفرشی متولد سال ۱۱۹۸ قمری است. فرزند میرزا ابوالقاسم و پدر میرزا عیسی وزیر و سیدعبدالله خان انتظام السلطنه است. سمت‌ها: مستوفی کل، پیشکار دارایی، از اعضای مصلحت‌خانه، وزیر دارالخلافه. وی در شب نوزدهم محرم سال ۱۲۸۲ قمری در سن ۸۴ سالگی درگذشت و در قسمت شرقی صحن حضرت امام حسین (ع) مدفون شد (رشیدی و قنبریان، ۱۳۹۹: ۱۷-۱۸).
در مدرک ذیل، فهرست‌نویس احتمال داده که «صاحب عکس، موسی بن هادی تفرشی وزیر لشکر باشد» که اشتباه است.

اطلاعات مدرک موجود در پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه ملی ایران:

شماره مدرک: ۳۲۱۹۰۸۷

محل نگهداری: آرشیو ملی ایران

شماره بازیابی: ۹۹۹/۲۵/۵۴۲۹

منشأ: دانشور، فیروز

عنوان و نام پدیدآور: میرزا موسی تفرشی وزیر [عکس]

وضعیت تولید/نشر: [بی‌تا].

مشخصات ظاهری: ۱ عکس: سیاه و سفید؛ ۱۰×۱۴ س.م.

یادداشت: جهت کسب اطلاعات بیشتر به جلد ۴ رجال بامداد صفحه ۱۶۳ رجوع شود.

توصیفگر: وزیر، سید موسی بن ابوالقاسم، ۱۱۹۸ - ۱۲۸۲ ق.

توصیفگر: قاجاریه

نقاشی

دولتمردان

چکیده: عکس از روی نقاشی میرزا موسی تفرشی وزیر لشکر.



مدرک ۷

میرزا موسی بن ابی القاسم، جد خاندان انتظام‌وزیری

یادداشت ۹. اشتباه در تاریخ سند تلگراف

مقصود، سند تلگراف سیدعبدالله انتظام‌وزیری (۱۲۷۴-۱۳۶۲خ) به برادرش سیدنصرالله (۱۲۷۹-۱۳۵۹خ) است. این دو برادر از سادات تفرش و از اعضای خاندان معروف انتظام‌وزیری بوده و از صاحب‌منصبان عالی‌رتبه دوره پهلوی اول و دوم هستند. تلگرافی سیدعبدالله به برادرش نصرالله صادر می‌کند. اصل سند در آرشیو کتابخانه ملی وجود دارد. مشخصات سند:

شناسه سند : ۳۶۰/۵۱۶۳

عنوان : کمک صد میلیون دلاری آمریکا به ایران برای چاپ اسکناس

منشا : ایران. وزارت امور خارجه

Iran. Vezarat Omur Kharejeh

تاریخ / دوره ایجاد : ۱۳۳۲ق.

مشخصات ظاهری : ۱ص.

دامنه و محتوا : تلگراف عبدالله انتظام به نصرالله انتظام و مشاوره در خصوص کمبود اسکناس و امکان استفاده از کمک صد میلیون دلاری آمریکا به ایران به عنوان پشتوانه‌ای برای چاپ اسکناس در زمان تعطیلی مجلس و [پی‌گیری مذاکره با انگلیسی‌ها در موضوع نفت]
توصیفگر : ایران. وزارت امور خارجه

Iran. Vezarat Omur Kharejeh

توصیفگر : کمک‌های نقدی / چاپ / پول / ارز / نفت / نهضت ملی شدن نفت / کودتای بیست و

هشت مرداد / مجلس شورای ملی / قاجاریه

توصیفگر : آمریکا / انگلستان

مرکز نگهداری سند : آرشیو ملی ایران

شناسه سند : ۳۶۰/۵۱۶۳

محل در آرشیو : ۵۲۳ت ۳آوا

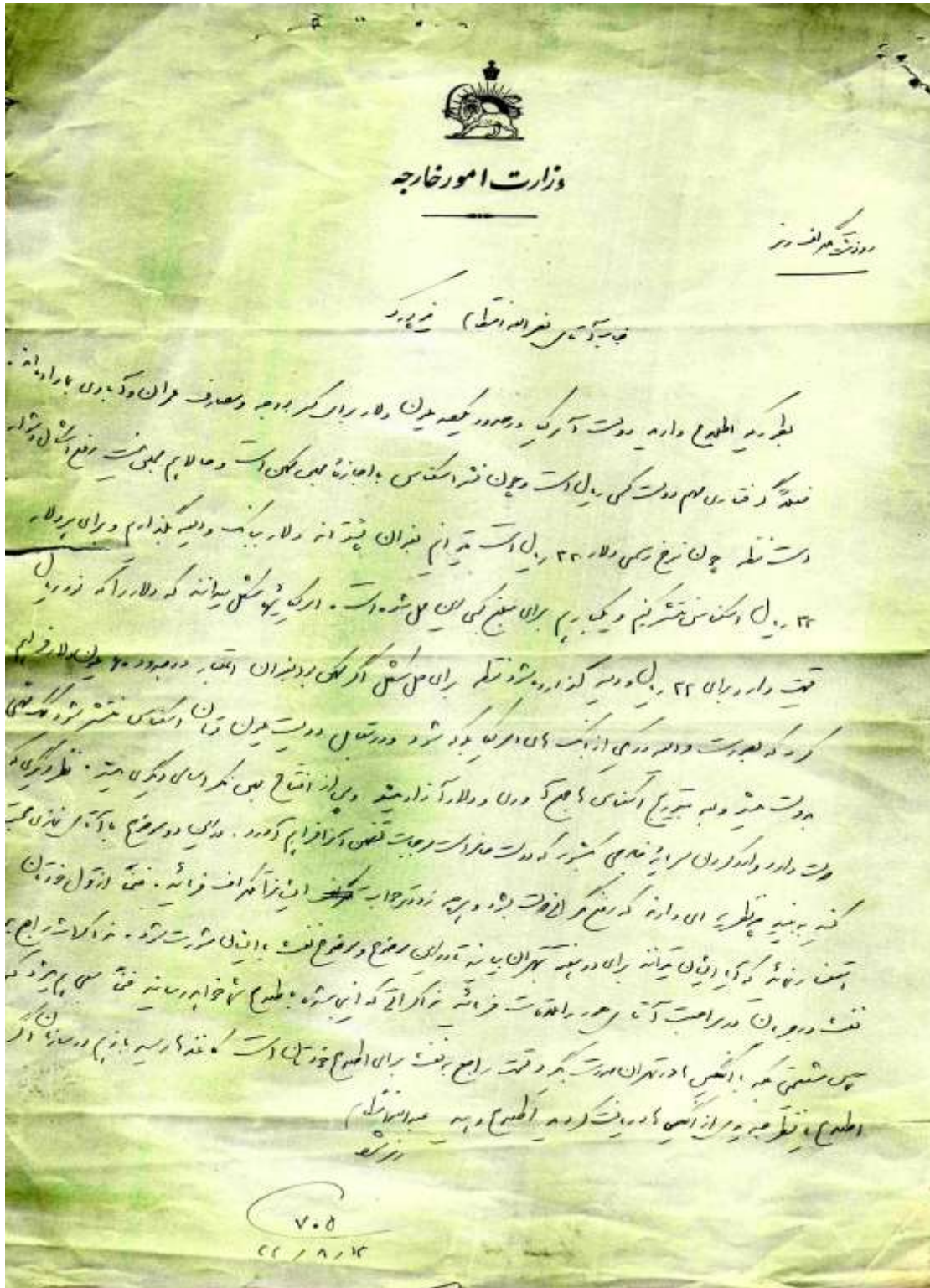
شماره اسکن: ۵۱۶۳

شماره میکروفرم: ۲۴/۹۸

(پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه ملی ایران: <https://opac.nlai.ir>).

۹/۱. اطلاعاتی درباره تاریخ سند

در آرشیو اسناد کتابخانه ملی ایران، تاریخ و دوره ایجاد سند، سال ۱۳۳۲ قمری ذکر شده است که معادل ۱۲۹۲ شمسی است. این تاریخ صحیح نیست؛ زیرا سیدعبدالله انتظام‌وزیری متولد ششم فروردین ۱۲۷۴: موقع ایجاد سند، ۱۸ ساله بود و سیدنصرالله انتظام‌وزیری متولد ۱۲۷۸ شمسی: موقع ایجاد سند، ۱۴ ساله بود. بنابراین، سند متعلق به ۱۳۳۲ قمری نیست. زیرا سن ۱۸ و ۱۴، برای انجام فعالیت‌های دیپلماتیک در سطح بالا، ممکن نیست و در این سنین افراد مشغول تحصیل هستند. با تحقیقاتی که انجام شد، مشخص شد سند برای سال ۱۳۳۲ شمسی است. لازم است محققان بعد از مطلع شدن از چنین اشتباهاتی، مسئولان مربوط (در اینجا فهرست‌نگاران کتابخانه ملی) را در جریان گذاشته تا اشتباهات اصلاح شوند. چنین اشتباهات کوچکی اگر نادیده گرفته شوند، بهای سنگین آن انحراف تاریخی است.



مدرک ۸

سند تلگراف سید عبداللہ انتظام وزیری

به برادرش سید نصر اللہ

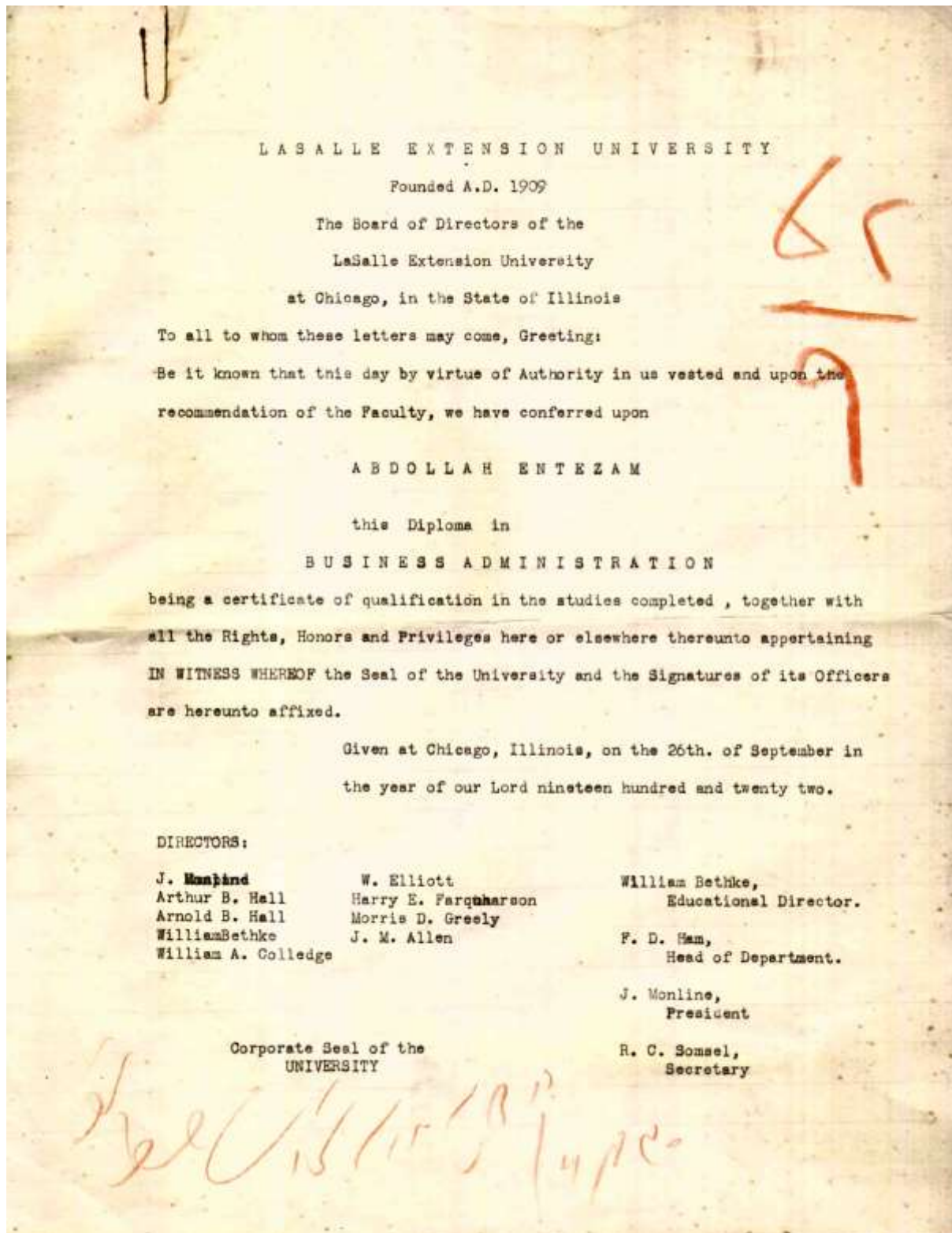
یادداشت ۱۰. اشتباه در تاریخ سند دیپلم سیدعبدالله انتظام‌وزیری (۱۲۷۴-۱۳۶۲خ) از دانشگاه لسلی آمریکا

۱/۱۰. مشخصات سند

شناسه سند: ۲۹۷/۲۷۴۶۴، شماره میکروفرم: ۲۰۲/۱۲، احمدی ۹۹/۱۱/۷، عنوان: برگ تأییدیه به دیپلم عبدالله انتظام از دانشگاه لسلی آمریکا مبنی بر گذراندن دوره آموزشی در زمینه مدیریت اداری بازرگانی، تاریخ و دوره ایجاد: ۱۹۲۲، دامنه و محتوا: برگ تأییدیه به دیپلم عبدالله انتظام از دانشگاه لسلی آمریکا مبنی بر گذراندن دوره آموزشی در زمینه مدیریت اداری بازرگانی، توصیفگر: ۱۹۲۲م / ۱۳۰۱ش، ایالات متحده آمریکا / مدارک فارغ‌التحصیلی دانشگاهها و مدارس عالی / مدرسه عالی تجارت، انتظام، عبدالله (۱۳۶۱۱۲۷۵)، مرکز نگهداری سند: آرشیو ملی ایران، شناسه سند: ۲۹۷/۲۷۴۶۴، محل در آرشیو: آپ ۵۱۲، شماره فیش: ۰۲۰۲۰۰۱۲، دسترسی و محل الکترونیکی: آدرس الکترونیکی منبع (پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه ملی ایران: <https://opac.nlai.ir>).

۲/۱۰. توضیحاتی درباره سند

در بالا، فیپای سند آمده است. فیپانویس به اشتباه سال ۱۰۳۱ شمسی را معادل ۱۹۲۲ میلادی ثبت کرده بود. درحالی‌که اشتباه است و معادل آن ۱۳۰۱ شمسی است. ما صحیح آن را در فیپا نوشتیم و قصد داریم در اولین فرصت به مسئولان کتابخانه ملی اطلاع دهیم تا تصحیح نمایند. انتظام در ششم فروردین ۱۲۷۴ به دنیا آمده است. بنابراین، در زمان گرفتن مدرک فوق، ۲۷ سال داشته است.



مدرک ۹

سند تأییدی دیپلم عبدالله انتظام

از دانشگاه لسلی آمریکا

نتیجه گیری

تصحیح متون کهن و خوانش اسناد، یکی از اقسام نگارش بوده و هم وزن و هم قدر تألیف و ترجمه و گردآوری است. ذخایر ارزشمند علوم گذشتگان، با تصحیح و بازخوانی نسخه های خطی و اسناد، از مخازن تاریک کتابخانه ها، به روشنایی جامعه رسیده و سبب تقویت و پیشرفت فرهنگ و تمدن می شود. لازمه این امر، دقت و ظرافت به همراه تخصص است، تا آنچه که در متون کهن آمده، و مد نظر نویسنده بوده، بی کم و کاست احیا و ارائه شود. در این مقاله، برخی از سهوالقلم های در حیطه نسخه های خطی، اسناد، و تصحیح و فهرست آن، در ضمن ۱۰ یادداشت ذکر شد. قطعاً و حتماً برکات و ثمرات آثار مصححان و خوانش گران قابل قیاس با خطاهای آنان نیست و تکه ابری زودگذر، مانع پرتوافشانی و انرژی زایی خورشید نیست.

منابع

الف) کتاب‌ها و مقالات

۱. قرآن کریم.
۲. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، ۱۴۰۳ق، الذریعه الى تصانیف الشیعه، بیروت، نشر دارالاضواء، چ سوم.
۳. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، ۱۴۳۰ق، طبقات اعلام الشیعه، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، چ اول.
۴. اشمیتکه، زابینه و پورجوادی، رضا (مقدمه و تصحیح)، ۱۳۹۰، مناظره بحرالعلوم سیدمحمد مهدی بروجردی طباطبایی (۱۲۱۲ه.ق) با یهودیان ذوالکفل گزارش‌های عربی و فارسی، ترجمه مقدمه: احمدرضا رحیمی ریشه، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، چ اول.
۵. باقری، محمد مهدی، ۱۳۹۳، درس‌نامه کارگاه ویرایش و درست‌نویسی، تهران، مؤسسه ویراستاران حرفه‌ای پارس.
۶. تنکابنی، محمد بن سلیمان، ۱۳۸۳ش، قصص العلماء، به کوشش محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ اول.
۷. جناب، سیدعلی، ۱۳۸۵ش، رجال و مشاهیر اصفهان، اصفهان، ناشر: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، چ اول.
۸. جهان‌بخش، جويا، ۱۳۹۱، مزدک‌نامه ۵: یادبود پنجمین سالگرد درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر، «ملا محمد کاظم هزارجریبی و دو رساله غلوستیزانه‌اش»، به کوشش: پروین استخری و جمشید کیان‌فر، تهران، انتشارات پروین استخری، چ اول، ص ۵۱-۱۱۰.
۹. جهان‌بخش، جويا، ۱۳۹۰، «راهنمای تصحیح متون»، تهران، نشر: میراث مکتوب، چ سوم.
۱۰. حسینی اشکوری، سیداحمد، ۱۳۶۴ش، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی، زیر نظر: سید محمود مرعشی، قم، ناشر: کتابخانه آیت‌الله مرعشی (ره)، چ اول.
۱۱. حیدری‌ثانی، سیدحمید، ۱۳۹۵، ویراستارباشی (۵)، ماهنامه انشا و نویسندگی، ش ۷۳، ص ۶۴-۷۵.
۱۲. درایتی، مصطفی، ۱۳۸۹، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، ویراستار: مجتبی درایتی، تهران، نشر کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چ اول.
۱۳. رضوان، فرشاد، ۱۳۹۵، راهنمای ویرایش و نگارش، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ سوم.
۱۴. سمیعی (گیلانی)، احمد، ۱۳۷۵، درباره ویرایش: برگزیده مقاله‌های نشر دانش (۱)، «آداب ویراستاری»، زیر نظر: نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چ سوم.
۱۵. صادقی، علی‌اشرف و زندی‌مقدم، زهرا، ۱۳۹۴، فرهنگ املائی خط فارسی براساس دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران، نشر آثار، چ هفتم.

۱۶. صافی، قاسم، ۱۳۹۱، از چاپخانه تا کتابخانه؛ مراحل کتاب‌نویسی چاپ‌سپاری کتابداری کتابخوانی و نشر، تهران، نشر دانشگاه تهران، چ هفتم.
۱۷. صدر، سیدحسن، ۱۴۲۹ق، تکملة امل الامل، محقق: حسین علی محفوظ و عبدالکریم الدباغ و عدنان الدباغ، بیروت، دارالمورخ العربی، الطبعة الاول.
۱۸. صفری، علی اکبر، ۱۳۹۳، جشن‌نامه آیت‌الله رضا استادی، «فهرست خودنوشت ملا محمدکاظم هزارجریبی»، به کوشش: رسول جعفریان، قم، نشر مؤرخ با همکاری کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، چ اول، ص ۹۰۷-۹۱۹.
۱۹. صفری، علی اکبر، سنجۀ کتاب: بخش اول، نشریۀ میراث شهاب، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۸۱-۸۲.
۲۰. صلح‌جو، علی، ۱۳۹۴، نکته‌های ویرایش، تهران، نشر مرکز، چ پنجم.
۲۱. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۸، دستور خط فارسی؛ مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی (نشر آثار)، چ هشتم.
۲۲. قمی، عباس، ۱۳۶۸ش، الکنی و الالقاب، تهران، ناشر: مکتبه الصدر، چ پنجم.
۲۳. مسرت، حسین، گزارش میراث، «بایستگی بازنویسی دوره فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه وزیری یزد»، دوره دوم، سال هشتم، شماره یکم و دوم، فروردین - تیر ۱۳۹۳، شماره ۶۲ و ۶۳، ص ۳۲-۳۴.
۲۴. موسوی شفتی، محمد مهدی بن محمد علی، ۱۴۳۰ق، غرقاب، اصفهان، ناشر: کانون پژوهش، چ اول.
۲۵. وفا زواره‌ای، محمد علی، ۱۳۸۵ش، تذکرۀ مآثرالباقریه، مصحح و محشی: حسین مسجدی، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، چ اول.
۲۶. هزارجریبی، محمدکاظم، ۱۳۹۵ش، مجموعه آثار محمدکاظم هزارجریبی: تحفة الاخیار افضلیت ائمه تحفة المجاور حدیث عنوان بصری گنج الشفاء و رافع الداء رساله از وضو و نماز، مصحح و محشی: علی قنبریان و محمد رضائی نسب (تهرانی)، تهران، نشر صبا، چ اول.
۲۷. هزارجریبی، محمدکاظم، ۱۳۹۸خ، خداشناسی: تصحیح رساله اثبات صانع و اصول دین، مصحح: علی قنبریان، مقدمه: علیرضا لیاقتی هزارجریبی، سفارش‌دهنده: مؤسسه فرهنگی هنری نوین پژوهش فیاض، تهران: میراث فرهیختگان، چ اول.
۲۸. هزارجریبی، محمدکاظم، ۱۳۹۷خ، مناظرۀ علامۀ بحرالعلوم با یهودیان ذوالکفل: تصحیح رساله جدلیه، مصحح: علی قنبریان، تهران: میراث فرهیختگان، چ اول.
- (ب) نسخه‌های خطی، مصاحبه‌ها، و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی
۲۹. پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۳۰. قنبریان، علی، ۱۴۰۰ خورشیدی، مصاحبه با «استاد اسدالله عبدلی آشتیانی».

۳۱. کیودر آهنگی قره‌گوزلو، محمدجعفر (مجدوبعلی شاه)، نسخه خطی «رساله‌ای در عرفان»، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه: ۱۶۵۸۶.
۳۲. هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی فواید لطیفه، قم: کتابخانه حوزه علمیه فیضیه، شماره نسخه: ۱۲۳۹/۶.
۳۳. هزارجریبی، محمدکاظم، نسخه خطی منبّه‌المغرویین، تهران: کتابخانه ملی، شماره نسخه: ۵-۳۲۱۴۹.
۳۴. هزارجریبی، محمدکاظم، ناشناخته، تهران: کتابخانه ملی، شماره نسخه خطی: ۵-۳۲۱۴۹.